

Determining the Jurisprudential Criterion for Hunting and Its Impact on the Reform of Statutory Laws

Mousa Mazinianian

1. Graduate of Level Three of the Islamic Seminary; Director of Education, Strategic Economic Center of the Seminary, Qom, Iran, gholamaliali5@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	Hunting has long been one of humanity's ancient activities aimed at securing subsistence; however, today it has largely turned into a means of recreation and amusement. Unregulated hunting in Iran has led to numerous challenges such as the disruption of ecological balance, extinction of certain animal species and endangerment of others, the increase of recreational hunting and the promotion of private game reserves, heightened conflicts between wild animals and human environments, the emergence of social tensions, and the martyrdom of more than one hundred and twenty game wardens. Therefore, defining the components of wildlife conservation governance and developing policy and legislative solutions in this field constitute some of the most important issues for policymakers and legislators concerned with environmental protection. This study seeks to extract the taklīfī (obligatory and prohibitory) rulings related to hunting through the examination of fiqhī evidence. Based on the establishment of a jurisprudential principle asserting the permissibility of hunting in cases of necessity, other instances—such as recreational hunting—are deemed prohibited (ḥarām) and should likewise be legally banned. Regarding the ruling on the ritual slaughter (tadhkiyah) of illegally hunted animals, it can be stated that if the illegal hunt is not ritually slaughtered, the animal is considered maytah (a carcass), and its meat may neither be consumed by humans, nor offered as a reward to game wardens, nor distributed among the needy. However, it might be argued that one who hunts a wild animal illegally or for recreation, although committing a forbidden act and not owning the carcass, may still perform a valid tadhkiyah if all other conditions are met, in which case the hunted animal is not maytah but madhkī. The jurisprudential findings of this research lead to legislative strategies such as the necessity of verifying the hunter's need before issuing hunting licenses, mandating the delivery of carcasses seized from offenders to the needy while granting rewards from collected fines for damage compensation, and allowing population control of animal species by needy hunters. These outcomes indicate the necessity of amending the provisions of the "Bylaw on the Rights and Duties of Holders of Private Game Reserve Permits" and other laws related to hunting and fishing.
Article history: Received 2024/05/11 Accepted 2024/10/01	
Keywords: <i>Unting, Jurisprudential Criteria, Law Reform, Recreational Hunting.</i>	

Cite this article: Mazinianian, Mousa (2025).Determining the Jurisprudential Criterion for Hunting and Its Impact on the Reform of Statutory Laws, *Religion and Law*, 47 (13), 73-121.



© Mousa Mazinianian

Publisher: Islamic Research

Center of Parliament of I.R.IRAN.

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.277>



تعیین ملاک فقهی شکار و تأثیر آن در اصلاح قوانین موضوعه

موسی مزینانیان

۱. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه، قم، ایران. gholamaliali5@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸	شکار، یکی از کنش‌های دیرینه انسان‌ها به‌منظور تأمین معاش بوده است؛ ولی امروزه به‌عنوان روشی برای تفریح و خوش‌گذرانی تبدیل شده است. شکار بی‌ملاحظه در کشور ما چالش‌هایی را از قبیل برهم‌خوردن تعادل زیست‌بوم، انقراض برخی گونه‌های جانوری و خطر انقراض برخی دیگر، افزایش شکار تفریحی و ترویج قرق‌های خصوصی برای آن، افزایش تعارض حیوانات وحشی با محیط‌های انسانی، بروز تنش‌های اجتماعی و شهادت بیش از صد و بیست محیط‌بان را ایجاد کرده است؛ لذا تعریف مؤلفه‌های حکمرانی حفاظت از حیات‌وحش و راهکارهای سیاستی و تقنینی در این زمینه، یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در زمینه حفاظت از محیط‌زیست است. در این مقاله، سعی شده است با بررسی ادله فقهی، احکام تکلیفی مرتبط با شکار استخراج شود. با تأسیس اصل فقهی مبنی بر جواز شکار در صورت نیاز، موارد غیر از این اصل مانند شکار تفریحی، حرام شمرده شده و از لحاظ قانونی نیز باید ممنوع باشد. همچنین درباره حکم تذکیه شکار غیرقانونی باید گفت، در صورتی که شکار غیرقانونی مذکی نباشد حیوانی که شکار شده میته است و نمی‌توان از لاشه آن برای خوراک انسان استفاده کرد یا آن را به‌عنوان جایزه به محیط‌بان‌ها داد و یا آن را به مصرف نیازمندان رساند. ولی ممکن است بگوییم کسی که حیوان وحشی را غیرقانونی یا تفریحی شکار کند هرچند فعل حرامی انجام داده و مالک لاشه نیست، ولی به‌خاطر اینکه سایر شرایط تذکیه را رعایت کرده، تذکیه اتفاق افتاده و حیوانی که شکار شده میته نیست و مذکی است. از نتایج فقهی حاصل شده در این مطالعه، راهبردهای تقنینی از قبیل لزوم احراز نیازمندی برای صدور پروانه‌های شکار، لزوم تحویل لاشه‌های کشف شده از متخلفین به نیازمندان و دادن جایزه از محل جریمه جبران خسارت، کنترل افزایش جمعیت گونه‌ها توسط شکارچیان نیازمند، بیان شده است که اصلاح مواد آیین‌نامه حقوق و تکالیف دارندگان پروانه قرق‌های اختصاصی و قوانین مرتبط با شکار و صید را لازم می‌دارد. واژگان کلیدی: شکار، ملاک‌های فقهی، اصلاح قوانین، شکار تفریحی.

استناد: مزینانیان، موسی (۱۴۰۴). تعیین ملاک فقهی شکار و تأثیر آن در اصلاح قوانین موضوعه. دین و قانون، ۴۷ (۱۳)، ۷۳-۱۲۱.



© نویسنده: موسی مزینانیان

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران.

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.277>

مقدمه

شکار به معنای کشتن حیوانات وحشی با تیر یا دام (عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۹۸) و یکی از اقسام حیازت برای در اختیار گرفتن و مالک شدن حیوانات وحشی است. شکار و صید هم در معنای مصدری به معنای فعل «شکار» به کار می‌روند و هم در معنای اسم مفعولی به معنای «حیوان قابل شکار شدن» یا «حیوانی که شکار شده است». حیازت در هریک از مباحات به شکل مختلفی تحقق می‌یابد و درباره حیوانات وحشی با صید و شکار انجام می‌شود و اینکه حیوانات وحشی از مباحات هستند و مباحات با حیازت به ملک حائز در می‌آیند از مسائل اجماعی است (مکارم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۲۹). شکار از جهات مختلفی تقسیم می‌شود که هریک از این تقسیم‌ها می‌تواند در حکم فقهی آن تأثیرگذار باشد:

از لحاظ غرض^۱: شکار برای نیاز در خوراک، برای تجارت، برای خوش گذرانی.

از لحاظ رعایت قانون: شکار قانونی و غیرقانونی.

از لحاظ حلیت گوشت شکار: حلال گوشت، حرام گوشت.

از لحاظ جمعیت: گونه‌هایی که بیش از حد زیاد شدند، گونه‌های عادی، گونه‌های کمیاب و گونه‌های در خطر انقراض (در یک منطقه / در کل).

از لحاظ امکان حفاظت شده: شکار در مناطق آزاد، در مناطق حفاظت شده.

از لحاظ راسته و زیستگاه: پرندگان، پستانداران، ماهیان. خشکی و دریا.

از لحاظ سن: گونه‌های پیر، جوان، نوزاد.

از لحاظ جنس: شکار جنس نر و جنس ماده (زایا).

شکار از لحاظ فصل: شکار در فصل بچه‌زایی، فصل پرورش یا شیردادن به بچه،

فصل جفت‌یابی و جفت‌گیری.

از لحاظ ساعت: شکار در روز و در شب.

از لحاظ حالت شکار: شکار در حال تشنگی، در حال آب خوردن، در حال عادی.

۱. در این عنوان می‌توانستیم بگوییم از لحاظ هدف شکارچی، ولی به‌خاطر اینکه هدف شکارچی یک معنای دیگر هم دارد و آن هدفی است که شکارچی به سوی آن نشانه می‌گیرد و شلیک می‌کند، برای پیشگیری از این سوء تفاهم از واژه غرض استفاده کردیم که به معنای نیت نزدیک‌تر است.

از لحاظ شکارچی: مسلمان و غیرمسلمان. کودک یا بزرگسال.
از لحاظ نوع سلاح: حیوان (سگ شکاری)، تفنگ (گلوله‌زنی / ساچمه‌ای / بادی)،
تیرکمان، نیزه، سنگ، تله.

از لحاظ جنس سلاح: آهنی، سایر فلزات، چوبی، طناب.
از لحاظ تیزی سلاح: گرد، نوک تیز.

مقصود این نوشته بحث درباره حکم شکار حیوانات حلال گوشت، از لحاظ
غرض و نیت شکارچی است و بحث درباره حیوانات حرام گوشت نیاز به بررسی
مجزا دارد.

اقسام شکار از لحاظ نیت و غرض

شکار از لحاظ نیت و غرض شکارچی به طور کلی سه قسم است، ولی با دقت
بیشتر می‌توان هر قسم را به فروع بیشتری تقسیم کرد:

۱. شکارچی برای خوراک خود و خانواده شکار می‌کند:

الف) به شکار نیاز دارد و توان تهیه خوراک جایگزین ندارد؛

ب) به شکار نیاز دارد؛ ولی می‌تواند خوراک جایگزین تهیه کند؛

ج) نیاز به شکار ندارد و خوراک جایگزین دارد؛ ولی شکار را برای تنوع در
خوراک یا ذخیره و مازاد خوراک می‌خواهد.

۲. شکارچی برای تجارت و کسب درآمد شکار می‌کند:

الف) به درآمد شکار نیاز دارد؛ چون توان انجام کاری دیگر یا درآمدی
جایگزین ندارد؛

ب) به درآمد شکار نیاز دارد؛ ولی توان انجام کاری دیگر یا درآمدی جایگزین
را نیز دارد؛

ج) شغلی دیگر یا درآمدی جایگزین دارد؛ ولی فروش و تجارت شکار را برای
درآمد بیشتر انجام می‌دهد.

۳. برای تفریح و خوش‌گذرانی شکار می‌کند. فرزندان دنیا و پادشاهان و افراد
غرق در زندگی مادی و خوشی‌های زودگذر، چنین تفریحاتی را انجام می‌دهند.
شکار را برای گذراندن اوقات فراغت، برای جذاب و هیجانی بودن تیراندازی به

جانوران در حال گریز و برای پزدادن به اینکه فلان حیوان که قوی یا فراری یا زرنگ بود را من توانستم بزنم، انجام می دهند.

۱. شکار چهارپایان بدون نیاز

با یک بررسی ساده می توان فهمید بسیاری از کسانی که برای شکار چهارپایانی نظیر قوچ و کل و آهو، سراغ شکارگاه می روند هیچ نیازی به گوشت شکار برای تأمین معاش ندارند و صرفاً از روی عادت یا برای تفریح و هیجان و پزدادن و گاهی هم برای تنوع در خوراک به شکار می روند. این نتیجه با نگاهی به: قیمت اسلحه + دوربین اسلحه + فشنگ ها + خودرو و حمل و نقل + اسکان + دوربین شکاری و سایر ادوات و هزینه های موردنیاز برای شکار، به راحتی قابل دست یافتن است.

همچنین بسیاری از شکارچیان که از جریمه های صید غیرقانونی قوچ و کل به مبلغ ۲۵ میلیون تومان و میش و بز به مبلغ ۷۵ میلیون تومان اطلاع دارند، در پاسخ به کسانی که آنها را از شکار غیرقانونی باز می دارند و عواقب دستگیر شدن را یادآور می شوند، چنین اظهار می کنند که اگر دستگیر شویم جریمه ها را می دهیم! این دسته از شکارچیان مرفه از پرداختن جریمه ابایی ندارند و حتی جریمه های مالی سنگین برای ایشان بازدارندگی مؤثری ندارد. آیا می توان گفت چنین افرادی برای تأمین خوراک خود و خانواده شان چاره دیگری جز شکارکردن حیوانات وحشی کوه و بیابان ندارند؟!

۲. شکار در قرق خصوصی

هزینه های که برای شکار هر رأس قوچ یا کل در قرقها پرداخت می شود برابر هزینه خرید چندین رأس گوسفند اهلی است. با هزینه شکار هر رأس قوچ یا کل در قرق خصوصی می توان چندین رأس گوسفند را خرید و از گوشت آنها استفاده کرد! مثلاً امروزه که گوسفند زنده حدوداً کیلویی ۳۰۰ هزار تومان است، می توان یک گوسفند چهل کیلویی را با مبلغ دوازده میلیون تومان خریداری کرد و اگر هزینه پروانه شکار یک قوچ مثلاً هشتاد میلیون تومان باشد تقریباً مطابق با هزینه خرید هفت گوسفند است.

افرادی که برای شکار در قرق خصوصی از داخل و خارج در مزایده شرکت می‌کنند یا مبالغ هنگفتی را پرداخت می‌کنند عموماً به نیت پزدادن و شکار بزرگ‌ترین شکارها و گرفتن عکس تفریحی با لاشه و تهیه مستند از لحظات شکار، این کار را انجام می‌دهند و معمولاً به لاشه شکار، نیازی ندارد و حداکثر کله و بعضی اعضای شکار را برای تاکسیدرمی می‌برند.

در بحث قرق خصوصی نکات و زوایای دیگری نیز وجود دارد که در پایان بخش بحث و استدلال به آن می‌پردازیم.

۳. شکار پرندگان حلال گوشت، بدون نیاز

شکار پرندگان حلال گوشت امروزه از راه‌های زیادی انجام می‌شود و در فصل‌های خاصی از سال مجوز قانونی هم برای شکار با تدابیر ویژه‌ای صادر می‌شود؛ لیکن چیزی که جایش در این تدابیر خالی است، لحاظ کردن نیازمند بودن شکارچی و صیاد است.

۴. ماهیگیری برای تفریح

امروزه گروهی از مردم از ماهیگیری به عنوان یک ورزش و سرگرمی یاد می‌کنند، در حالی که ماهیگیری نیز نوعی صید است و باید صرفاً برای نیاز در قوت انجام شود. صاحب عروه در این باره تصریح کرده که «لا فرق بین صید البر و البحر» و صاحب مستمسک دلیل آن را اطلاق نصوص و فتاوا درباره حرمت شکار تفریحی می‌داند (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۳۴).

۵. شکار حیوانات برای تاکسیدرمی

تاکسیدرمی کردن حیوانات که در زبان عامیانه به خشک کردن حیوانات شهرت دارد، برای تزیین و دکور به کار می‌رود و مجوزی برای کشتن و شکار حیوانات نیست. موارد اندکی از تاکسیدرمی برای تکمیل موزه‌های تنوع زیستی و تحقیقات علمی انجام می‌شود که غالباً برای این امور از لاشه‌های مکشوفه از متخلفین و مانند آن استفاده می‌شود.

بحث و استدلال

حکم شرعی شکار از لحاظ غرض شکارچی

وقتی فقها به بحث درباره حکم یک موضوع می‌پردازند. ابتدا با بررسی ادله، به یافتن اصل اولیه در آن موضوع می‌پردازند. پس از تأسیس اصل در این مسئله می‌توانیم درباره حالات مختلف بحث کنیم و ببینیم که چه مسائلی را می‌توان از دایره آن اصل خارج کرد (صنقور، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۵). در بحث شکار حیوانات وحشی می‌توانیم از چند اصل صحبت کنیم و باید بررسی نماییم که کدام اصل به‌عنوان اصل اولی و عمومی قابل اثبات است؟

اصل حرمت قتل حیوان مگر برای نیاز

از دیدگاه اسلام، شکارکردن فی‌نفسه کاری ناپسند و ممنوع است و تنها در صورتی که فردی برای سیرکردن شکم خود و خانواده‌اش راه دیگری جز شکار نداشته باشد مجاز است. در تأیید این اصل، آیات و روایاتی را که محل بحث فقها بوده به‌صورت اجمال آورده و به بحث پیرامون آن پرداخته می‌شود.

ادله حرمت صید مگر برای قوت

آیات

در سه آیه از قرآن کریم حکم جواز خوردن گوشت میتة و خوک و خون و... در صورت اضطرار بیان شده است، ولی شکارچیان از این جواز اضطراری مستثنی شده و به‌عنوان باغی معرفی شده‌اند!

در آیه ۱۷۳ سوره بقره: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنَازِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛

آیه ۱۴۵ سوره انعام: ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنَازِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛

و آیه ۱۱۵ سوره نحل: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنَازِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

درباره این عبارت در تفاسیر احتمالاتی مطرح شده است. یکی از احتمالات،

این است که هدف از این عبارت، آن است که جلوی سوءاستفاده از این حکم اضطراری را بگیرد و با تعبیر «غیر باغ» از طلب لذت و با تعبیر «ولا عاد» از زیاده‌روی از حد ضرورت ممانعت می‌نماید. احتمال دیگر که می‌تواند با احتمال اول جمع شود این است که «بغی» در این آیه به معنای ظلم و ستم است و مرادش این است که کسی که سفرش برای معصیت است را استثنا کند و مصادیق آن که در روایات آمده؛ مانند خروج بر امام و شکار نیز مؤید این احتمال است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۸۳). علامه طباطبایی روایاتی که در تفسیر باغی به شکارچی و ظالم و خارج بر امام نقل شده را مصادیق «بغی» می‌داند که ظهور در ظلم دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۶)

روایت صحیح‌های از امام صادق علیه السلام نقل شده که در تفسیر عبارت «فمن اضطر غیر باغ و لا عاد» می‌فرمایند: «منظور از باغی کسی است که درباره شکار بغی کند و منظور از عادی، سارق است، و این دو شخص حق خوردن از میته و خون و خوک را ندارند هرچند که بدان مضطر شوند و برای آنها حرام است و حکمی که این مسئله برای سایر مسلمین دارد برای این دو شخص ندارد و همچنین حق ندارند که نماز را بشکنند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۷۶)¹. در عیاشی نیز در تفسیرش از آن حضرت نقل می‌کند که فرمودند: «باغی، طالب صید است» و ادامه این حدیث مانند قبلی است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۵)، این روایت مرسله است لکن مؤید روایت پیشین است.

اگر باغی به معنای طالب باشد دو تعبیر «باغی صید» و «طالب صید» رابطه تساوی دارند، ولی اگر باغی به معنای ظالم و طاغی باشد این دو تعبیر عام و خاص مطلق هستند، زیرا دومی مطلق کسانی که دنبال شکار بروند را شامل می‌شود، ولی اولی صرفاً کسانی را شامل می‌شود که از روی بغی و طغیان اقدام

۱. وعن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام، في قول الله عز وجل: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ» قال: الباغى: باغى الصيد، والعادى: السارق، وليس لهما أن يأكلا الميتة إذا اضطررا إليها، هي عليهما حرام، ليس هي عليهما كما هي على المسلمين، وليس لهما أن يقصرا في الصلاة. ورواه الشيخ بإسناده عن الحسين بن محمد، مثله.

به شکار کنند و شامل کسانی که برای نیاز به شکار بروند نمی‌شوند.

آیه ۹۶ سوره مائده ﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾؛ به گفته مفسرین، این آیه در صدد بیان اصل حکم ماهیان دریا نیست که آنها را حلال کند و از این جهت در مقام بیان نیست، بلکه منظور آیه، بیان حلیت ماهیان در حال احرام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۶). نکته قابل استفاده برای بحث ما این است که در این آیه از صید و طعام دریایی برای حجاج و کاروانیان به «متاع» یاد شده که به معنای کالا است. تعبیر متاع می‌تواند اشاره به این مطلب باشد که صید حیوانات دریایی به قصد تجارت مجاز است و تنها برای تفریح اشکال دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۶۹)، در حالی که در ادامه آیه صید حیوانات خشکی برای محرم به صورت مطلق تحریم شده است. درباره مراد از «طعام» و «سیاره» در این آیه احتمالات زیادی در تفاسیر بیان شده که نقل آنها مناسب مقام نیست.

نکته مهم دیگر در این آیه این است که صید خشکی را حرام دانسته و صید دریا را حلال دانسته و وقتی شکار حیوانات دریایی در منطقه شکار ممنوع حرم الهی حلال باشد، عرفاً تمام مردم اقدام به شکار نمی‌کنند، بلکه صیادان محرم و محل برای شکار در دریا و رودها اقدام می‌کنند و ماهی صید شده را به فروش می‌رسانند و این امر نشان‌دهنده جواز شکار ماهی برای تجارت است. یکی از فلسفه‌های روشن تحریم صید و تحریم کندن گیاهان در حال احرام به خاطر حفظ محیط زیست است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۷). با ضمیمه این دو مقدمه به این نتیجه می‌رسیم که از نظر شارع مقدس، حیوانات دریا به نسبت حیوانات خشکی، به خاطر شکار، کمتر در معرض خطر تهدید نسل قرار می‌گیرند که این مطلب یکی از فلسفه‌های تفاوت حکم حیوانات خشکی و دریاست. فلسفه تفاوت حکم در این مقام، می‌تواند مؤیدی بر تفاوت حکم شکار برای تجارت در حیوانات خشکی و دریا در سایر مناطق باشد.

روایات

چنان‌که گذشت شکار اقسام مختلفی دارد که هریک در بخشی از کتب فقهی و روایی مورد بحث قرار می‌گیرد. در کتب روایی و فقهی ابوابی وجود دارد که احکام صید و شکار را به صورت مجزا گردآوری نموده‌اند، لیکن بحث درباره شکار از لحاظ نیت شکارچی غالباً در مبحث نماز مسافر انجام شده است. شکسته بودن نماز مسافر چند شرط دارد که یکی از آنها این است که سفر برای معصیت انجام نشود. طبق روایات، یکی از کارهای ناشایستی که موجب می‌شود مسافر نمازش کامل باشد سفر برای شکار است، مگر اینکه شخص ناچار شود برای رفع نیازهای خود به شکار برود.

بحث درباره سند و دلالت روایاتی که در این باره نقل شده است نیاز به مجال واسعی دارد. تعداد زیادی از این روایات در ابواب ۸ و ۹ نماز مسافر در کتاب وسائل الشیعه گردآوری شده است:

۱- از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ» نقل شده است که فرمودند: منظور از باغی کسی است که درباره شکار بغی کند و منظور از عادی، سارق است، و این دو شخص حق خوردن از لاشه میته را ندارند هرچند که بدان مضطر شوند و برای آنها حرام است و حکمی که این مسئله برای سایر مسلمین دارد برای این دو شخص ندارد و همچنین حق ندارند که نماز را بشکنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۶).^۱

این روایت صحیح است و دلالت روشنی دارد که منظور از باغی در قرآن کریم «ظالم یا طالب شکار» است. حضرت تأکید می‌نمایند که چنین شخصی حتی در حال اضطرار که یکی از احکام ثانویه است، حکم اضطرار سایر مسلمین را ندارد و این نشان‌دهنده اثر مخرب این کار و شدت سخت‌گیری شارع مقدس

۱. وعن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام، في قول الله عز وجل: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ» قال: الباغي: باغي الصيد، والعادي: السارق، وليس لهما أن يأكلا الميتة إذا اضطررا إليها، هي عليهما حرام، ليس هي عليهما كما هي على المسلمين، وليس لهما أن يقصرا في الصلاة. ورواه الشيخ بإسناده عن الحسين بن محمد، مثله.

نسبت به آن است. آیت الله خوئی چنین عقیده دارد که استثنای شکار تفریحی از جواز اضطراری یک حکم تعبدی است، و مراد از بغی در این آیه، طلب است نه ظلم؛ زیرا ظلم به صید معنا ندارد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۰۹). لیکن با اثبات قاعده «حق حیات حیوانات» که در ادامه خواهد آمد، شکارکردن حیوانات بدون داشتن دلیل مشروع، تجاوز به حقوق آنان و ظلم به آنهاست. همچنین نگاهی به موارد استعمال «بغی» در قرآن که در ادامه توضیحش خواهد آمد، نشان می‌دهد در غالب موارد، این ماده خصوصاً به صورت ثلاثی مجرد در معنای ظلم به کار رفته و در مواردی که به معنای طلب است غالباً از باب انفعال و افتعال آمده است. همچنین چنین حکم سخت‌گیرانه‌ای با معنای ظلم تناسب دارد نه طلب. همچنین ایشان موثقه عبید بن زراره (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۸) که شکار را مسیر ناحق و باطل می‌شمارد، دارای سندی خوب و دلالتی روشن بر حرمت شکار تفریحی می‌دانند (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۱) و این معنا برای اثبات قبح این کار کافی است و با حکم تناسب دارد.

۲- عمار بن مروان می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سفر کند نمازش شکسته و روزهاش افطار می‌شود مگر کسی که سفرش برای شکار باشد یا در راه معصیت خدا سفر کند، الخ... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۶).^۱ این روایت صحیح است. (نجفی، بی‌تا، ۲۵۷/۱۴) و در برخی کتب از حماد بن مروان نقل شده است. این حدیث و حدیث بعدی درباره غرض شکارچی اطلاق دارد، ولی فقها این اطلاق این روایات را به قرینه روایات دیگر و غالب در عادت‌ی که در شکار هست بر صید برای «لهو» حمل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۵۲).

بعضی از فقها عقیده دارند که سفر برای شکار از اقسام سفر معصیت نیست

۱. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب، عن عمار بن مروان، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سمعته يقول: من سافر قصر وأفطر إلا أن يكون رجلاً سفره إلى صيد أو في معصية الله، أو رسولاً لمن يعصي الله، أو في طلب عدو أو شحنا أو سعاية أو ضرر على قوم من المسلمين. ورواه الكليني عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن الحسن بن محبوب. ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن يعقوب، مثله.

و ملحق به حکم آن است و گاهی مانند آیت الله تبریزی و آیت الله سیستانی به گناه نبودن آن تصریح کرده‌اند (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۹۸). یکی از دلایل این رأی می‌تواند این باشد که در تعدادی از روایات، سفر معصیت با «أو» به سفر برای شکار عطف شده است؛ لیکن در عبارت قرآن کریم که در روایت پیشین آمد نیز تعبیر به بغی شده بود که معنای خاصی غیر از اصطلاح معصیت، ولی هم بغی حرام است و هم معصیت و هم اثم و هریک از این اصطلاحات به حیثیت خاصی از فعل حرام اشاره دارد. همچنین موارد دیگری در این روایت به وسیله «أو» بر «معصیت» عطف شده که قطعاً حرام هستند، بنابراین عطف با «أو» در این موارد نمی‌تواند دال بر حرام نبودن معطوف باشد.

۳- سماعه می‌گوید درباره نماز مسافر از امام صادق علیه السلام پرسیدم، فرمود: و کسی که مسافرت برود نمازش شکسته و روزهاش افطار است مگر اینکه تابع سلطان جور باشد یا برای شکار بیرون رفته یا به روستای خود رفته که راهش یک روز است و شب به خانه برمی‌گردد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۷).^۱ این روایت موثق است و از سه طریق نقل شده و به طور مطلق بیرون رفتن برای شکار را موجب استثنا از حکم تقصیر نماز دانسته است چه برای نیاز باشد یا برای تفریح، ولی همان‌طور که در روایت پیشین توضیح داده شد این روایت بر شکار تفریحی حمل شده است.

۴- امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام نقل می‌کند: هفت گروه نمازشان شکسته نمی‌شود: یکی شان کسی است که برای لُهو دنیا دنبال شکار برود... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۷).^۲

۱. محمد بن الحسن یاسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن أحمد عن الحسين، عن الحسن، عن زرعة، عن سماعة قال: سأله عن المسافر - إلى أن قال - ومن سافر قصر الصلاة وأفطر إلا أن يكون رجلاً مشياً لسلطان جائر أو خرج إلى صيد أو إلى قرية له تكون مسيرة يوم بيت إلى أهله لا يقصر ولا يفطر. ويأسناده عن الحسين بن سعيد، عن الحسن، عن زرعة، مثله.

۲. ويأسناده عن أحمد بن محمد، عن محمد بن عيسى، عن عبد الله بن المغيرة، عن إسماعيل بن أبي زياد، عن جعفر علیه السلام، عن أبيه علیه السلام قال: سبعة لا يقصرون الصلاة - إلى أن قال - والرجل يطلب الصيد يريد به لُهو الدنيا، والمحارب الذي

این روایت موثق است. در این روایت استثنای بیرون رفتن برای شکار از حکم تقصیر نماز قید خورده به اینکه «برای لهُو دنیا باشد»؛ لذا قیدی که در این روایت آمده است می‌تواند مقید اطلاق روایات دیگر باشد.

۵- زراره می‌گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم شخصی که با شاهین و باز و سگ از خانه بیرون رود و دو سه شب گردش و تفریح می‌کند آیا نمازش شکسته می‌شود؟ فرمود: همانا او برای لهُو بیرون رفته، نماز را نمی‌شکند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۸).^۱

این روایت صحیح است. راوی در پرسش خود تصریح کرده که این شکارچی برای تنزه از خانه خارج شده است و تنزه به معنای تفرج و تفریح و گردش و خوش‌گذرانی است. حضرت هم ملاک شکسته‌نشدن نماز را چنین بیان فرمودند که «کار چنین شخصی مصداق لهُو است». این روایت نیز به قید لهُوی بودن سفر شکار برای شکسته‌نشدن نماز اشاره دارد و مقید اطلاق دیگر روایات است. جالب است که در این روایت، سائل به شرح کیفیت شکار پرداخته و خود حضرت عنوان لهُو را شامل چنین فردی دانستند. شهید اول در ذکری با استناد به این روایت، صید لهُوی را معصیت می‌شمارد (حر عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۱۴).
۶- عبید بن زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که برای شکار بیرون رود آیا نمازش شکسته است؟ فرمود: کامل است؛ چون این راه حقی نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۸).^۲

یقطع السبیل. و یاسناده عن علی بن الحسن بن فضال، عن عمرو بن عثمان، عن عبد الله بن المغيرة، مثله. و رواه الصدوق بإسناده عن إسماعیل بن أبي زياد، مثله.

۱. محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن الحسن بن علي، عن عباس بن عامر، عن أبان بن عثمان، عن زرارة، عن أبي جعفر علیه السلام، قال: سألتُه عَمَّن يَخْرُجُ عَنْ أَهْلِهِ بِالصَّقُورَةِ وَالْبَزَاةِ وَالْكَلَابِ يَنْتَزِعُ اللَّيْلَتَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ، هَلْ يَقْصُرُ مِنْ صَلَاتِهِ أَمْ لَا يَقْصُرُ؟ قَالَ: إِنَّمَا خَرَجَ فِي لُهُو، لَا يَقْصُرُ، الْحَدِيثُ. وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمٍ جَمِيعًا، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، نَحْوَهُ.

۲. و بإسناده عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بكير، عن عبید بن زرارة قال: سألتُ أبا عبد الله علیه السلام عن الرجل يخرج إلى الصيد، أيقصر أو يتم؟ قال: يتم لأنه ليس بمسير حق. ورواه الكليني، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، مثله.

این روایت موثق است (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۱) و بعضی محققین آن را صحیحه شمرده‌اند (ایروانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۷). در این روایت تعلیل کامل بودن نماز شکارچی بیان شده است و آن «ناحق» بودن این کار است. این روایت مؤید این مطلب است که ناحق بودن غیر از معصیت بودن است و معصیت در اصطلاح روایات در معنای خاصی به کار می‌رود. تعبیر به «ناحق» بودن با تعبیر «بغی» و «راه باطل» و «لهو» که در آیات و دیگر روایات آمده هماهنگ است. آیت‌الله خوئی سند و دلالت این روایت بر حرمت را غیرقابل خدشه می‌داند (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۱).

۷- از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: کسی که برای شکار به راهی یکی دوروزه برود آیا نمازش شکسته است؟ فرمود: اگر برای خوراک خود و خوراک خانواده‌اش بیرون رفته روزه و نمازش شکسته است؛ ولی اگر برای طلب زیادی و تنوع بیرون رفته خیر! و کار خوبی نیست! (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۸).^۱ این روایت مرسله است، لیکن ارسال آن چنین است: «عن بعض اصحابنا» و لذا می‌توان این حدیث را مانند حسنه شمرد و شیخ صدوق این روایت را به صورت «وقال الصادق علیه السلام» آورده است (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۸۸). این روایت تصریح دارد که شکار در صورتی مجاز است که برای نیاز در خوراک باشد، ولی اگر کسی برای زیاده‌خواهی و تنوع‌طلبی و انباشت بیش از نیاز که در روایت از آن به «طلب الفضول» تعبیر شده به شکار برود، کار ناپسندی انجام داده و باید نماز را کامل بخواند. این روایت صراحتاً به قید «نیاز برای خوراک خود و خانواده» اشاره دارد و سایر نیازها و غرض‌ها حتی تجارت خارج می‌کند و آن را «طلب الفضول» می‌شمارد. طبق این روایت اگر شکارچی بتواند برای تأمین درآمد یا خوراک از راه دیگری غیر از شکار اقدام کند باید این کار را انجام دهد و از شکار اجتناب نماید.

۱. وعنه، عن عمران بن محمد بن عمران القمّی، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله علیه السلام، قال: قلت له: الرجل يخرج إلى الصيد مسيرة يوم أو يومين يقصّر أو يتم؟ فقال إن خرج لقوته وقوت عياله فليقصر، وإن خرج لطلب الفضول فلا، ولا كرامة. ورواه الصدوق مرسلًا ورواه الكليني عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، مثله.

۸- فرمایش شیخ صدوق در المقتنع: کسی که برای معصیت یا صید سفر کند باید نمازش را تمام بخواند. شکارچی اگر برای تفریح شکار برود نمازش کامل است؛ ولی اگر برای تأمین قوت خود و خانواده باشد نمازش شکسته است و باید روزه بگیرد (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۶).^۱

کتاب المقتنع یک کتاب فقه روایی است که شیخ صدوق فتاوی خود را با الفاظ روایات بیان نموده و سند روایات را برای رعایت اختصار حذف کرده است. فرمایش ایشان تصریح دارد که تنها مورد مجاز صید، تأمین قوت است. به نظر می‌رسد این فتاوی شیخ صدوق بر اساس روایت مرسله عمران قمی از امام صادق علیه السلام بیان شده است.

۹- ابن بکیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که یک یا دو یا سه روز به شکار می‌رود آیا نمازش را بشکند؟ فرمود خیر، مگر اینکه کسی دنبال برادر دینی‌اش برود، زیرا همانا شکار یک مسیر باطل است که نماز در آن شکسته نمی‌شود، ولی اگر دنبال برادرش رفته نمازش را می‌شکند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۸).^۲

این روایت با چندین سند نقل شده است که در مجموع موثق و معتبر است، البته با بحث رجالی که درباره سهل بن زیاد وجود دارد بعضی علما این سند را دارای اشکال می‌دانند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۱)، و تصریح دارد که شکار فی نفسه یک «راه باطل» و نادرست است و تعبیر به «مسیر باطل»، با تعابیر «بغی» در قرآن کریم و «ناحق» و «لهو» که در روایات پیشین آمد هماهنگ است و ظهور در حرمت دارد.

۱. وَلَا يَحِلُّ التَّمَامُ فِي السَّفَرِ إِلَّا لِمَنْ كَانَ سَفَرُهُ لِلَّهِ مَغْصِيَةً أَوْ سَفَرٌ إِلَى صَيْدٍ وَإِذَا خَرَجْتَ إِلَى صَيْدٍ وَكَانَ بَطَرًا أَوْ أَشْرًا فَلَعَلَّكَ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَإِنْ كَانَ صَيْدُكَ مِمَّا تَقَوَّتْ بِهِ عَلَى عِيَالِكَ فَلَعَلَّكَ التَّقْصِيرُ فِي الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ.

۲. محمد بن یعقوب، عن محمد بن الحسن وغيره، عن سهل بن زیاد، عن علي بن أسباط، عن ابن بكير قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يتصيد اليوم واليومين والثلاثة، أيقصر الصلاة؟ قال: لا، إلا أن يشيع الرجل أخاه في الدين، فإن الصيد مسير باطل لا تقصر الصلاة فيه، وقال: يقصر إذا شيع أخاه. ورواه الشيخ بإسناده عن سهل بن زیاد، وبإسناده عن محمد بن يعقوب، مثله. وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن بعض أصحابه، عن علي بن أسباط، مثله. ورواه البرقي في (المحاسن) بهذا السند.

۱۰- رسول خدا ﷺ فرمود: چهار چیز قلب را فاسد می‌کند و نفاق را در قلب می‌رویاند همچنان که آب گیاه را می‌رویاند: لهو و بدگویی و آمدن به درب سرای سلطان و طلب صید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۷۸).^۱

این روایت به دلیل ضعف حسن بن علی ضعیف است؛ ولی به عنوان مؤید در کنار روایات دال بر ناپسندی شکار مفید است. این روایت چنین دلالت دارد که شکار به طور مطلق یک کار ناپسند و مذموم است.

۱۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا ﷺ در وصیتی به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای علی! سه چیز قلب را سخت می‌کنند، گوش دادن به لهو، دنبال شکار رفتن، و در خانه سلطان آمدن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۱۴).^۲

سند این روایت به دلیل ارسال در یک طریق و ضعف راوی در طریق دیگر، ضعیف است، ولی به عنوان مؤید در کنار روایات دال بر ناپسندی شکار مفید است.

۱۲- روایت کتاب فقه الرضا: طبق این روایت صید تفریحی حرام است؛ ولی کسی که برای تجارت به شکار برود نمازش تمام است؛ ولی روزهاش قصر است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۵۳۳).^۳

بعضی از علما درباره انتساب کتاب فقه الرضا به آن حضرت اشکالاتی را وارد

۱. وفي (الخصال) عن أبيه، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن علي بن أبي عثمان، عن موسى المروزي، عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: أربعة يفسدن القلب وينبتن النفاق في القلب كما ينبت الماء الشجر: اللهو، والبذاء، وإتيان باب السلطان، وطلب الصيد.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَآنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ﷺ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ يَقْسِيَنَّ الْقَلْبَ اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ - وَطَلَبُ الصَّيْدِ وَإِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ.

۳. فُقه الرِّضَا وَ سَائِرُ الْأَسْفَارِ الَّتِي لَيْسَتْ بِطَاعَةٍ مِثْلُ طَلَبِ الصَّيْدِ وَ التَّزَهُّةِ وَ مُعَاوَنَةِ الظَّالِمِ وَ كَذَلِكَ الْمَلَاخِ وَ الْفَلَاحِ وَ الْمُكَارِي فَلَا تُقْصِرُ فِي الصَّلَاةِ وَلَا فِي الصَّوْمِ؛ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْضاً وَلَا يَحِلُّ التَّمَامُ فِي السَّفَرِ إِلَّا لِمَنْ كَانَ سَفَرُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْصِيَةً أَوْ سَفَرًا إِلَى صَيْدٍ وَمَنْ خَرَجَ إِلَى صَيْدٍ فَعَلَيْهِ التَّمَامُ إِذَا كَانَ صَيْدُهُ بَطَرًا وَ شَرَهًا وَ إِذَا كَانَ صَيْدُهُ لِلتَّجَارَةِ فَعَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَ التَّقْصِيرُ فِي الصَّوْمِ وَ إِذَا كَانَ صَيْدُهُ اضْطِرَّارًا لِيَعُودَ بِهِ عَلَى عِيَالِهِ فَعَلَيْهِ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ.

کرده‌اند، ولی با این وجود این کتاب مورد قبول و اعتنای بسیاری از علمای قرار دارد. البته این روایت نیز مطلبی درباره اختلاف حکم نماز و روزه بیان کرده که مخالف قاعده است، ولی چنان‌که در بخش فتاوا گذشت، این فتوا در این مورد خاص بین علمای متقدم مشهور بوده است و امروزه نیز بعضی از فقها نسبت به این حکم احتیاط داده‌اند و در بحث ما این مطلب نشان می‌دهد که باتوجه به شهرت فتوایی و احتیاط کنونی فقها، در فتوای به جواز صید برای تجارت نیز باید احتیاط کرد.

۱۳- روایت زید نرسی از امام صادق علیه السلام در پاسخ آن حضرت به پرسش یکی از اصحاب درباره حکم شکار تفریحی: شکار، طلبی باطل است و خداوند شکار را برای کسانی که ناچار شوند حلال کرده. پس کسی که ناچار باشد، تلاشش در راه شکار، باطل نیست و اگر ناچار به خوردن آن است واجب است نماز و روزه‌اش را بشکند، و اگر آن را برای تجارت می‌خواهد و حرفه دیگری جز شکار ندارد تلاشش حق است؛ ولی باید نمازش را کامل بخواند و روزه بگیرد؛ چون این کار شغل و تجارتش شده و مانند تاجرانی شده که در بازارها برای تجارت می‌گردند یا مانند کرایه دهنده مرکب یا ملوان؛ و کسی که آن را برای تفریح و خوش‌گذرانی بخواهد تلاشش باطل است و سفرش باطل است و باید نماز را کامل بخواند و روزه بگیرد و همانا مؤمن وقت چنین کارهایی را ندارد و طلب آخرت او را از طلب لهوها مشغول ساخته (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۵۳۳).^۱

۱. زَيْدُ النَّرْسِيُّ فِي أَصْلِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ طَلَبِ الصَّيْدِ وَقَالَ لَهُ إِنِّي رَجُلٌ أَهْوَى طَلَبَ الصَّيْدِ وَضُرِبَ الصَّوَالِجُ وَ أَهْوَى بَلْعَبَ الشَّطْرَنْجِ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَمَّا الصَّيْدُ فَإِنَّهُ مُتَّبَعِي بَاطِلٌ وَإِنَّمَا أَحَلَّ اللَّهُ الصَّيْدَ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَى الصَّيْدِ فَلَيْسَ الْمُضْطَرُّ إِلَى طَلَبِهِ سَعْيُهُ فِيهِ بَاطِلًا وَيَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ جَمِيعًا إِذَا كَانَ مُضْطَرًّا إِلَى أَكْلِهِ وَإِنْ كَانَ مِمَّنْ يَطْلُبُهُ لِلتَّجَارَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حِرْفَةٌ إِلَّا مَنْ طَلَبَ الصَّيْدَ فَإِنْ سَعْيُهُ حَقٌّ وَعَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ لِأَنَّ ذَلِكَ تِجَارَتُهُ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ صَاحِبِ الدُّورِ الَّذِي يَدُورُ الْأَسْوَاقُ فِي طَلَبِ التَّجَارَةِ أَوْ كَالْمُكَارِي وَالْمَلَّاحِ وَمَنْ طَلَبَهُ لَاهِيًا وَأَشْرًا وَبَطْرًا فَإِنْ سَعْيُهُ ذَلِكَ سَعْيٌ بَاطِلٌ وَسَفَرٌ بَاطِلٌ وَعَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَفِي شُغْلٍ مِنْ ذَلِكَ شَغْلُهُ طَلَبُ الْآخِرَةِ عَنِ الْمَلَاهِي.

هرچند درباره اعتبار اصل زید نرسی بین علما اختلافاتی وجود دارد، ولی بسیاری از علما آن را پذیرفته‌اند، و در این بحث می‌توانیم به‌عنوان مؤید از این روایت بهره بجوییم، چنان‌که بعضی علما نیز روایات این اصل را مادامی‌که با روایات صحیح در تعارض نباشد پذیرفته‌اند. در بحث ما این روایت یکی از کامل‌ترین و روشن‌ترین دلالت‌ها را دارد و تمام جنبه‌های بحث را پوشش داده است و مدلول روایت با جمع‌بندی سایر روایات کاملاً تطابق دارد.

حرمت اسراف و تبذیر

یکی از کارهای مذموم در اسلام، شکارکردن برای تفریح است. در اسلام به چنین عملی «اتراف» گفته می‌شود و قرآن کریم مترفین را در زمره کافران شمرده است. مترفین کسانی هستند که بر مبنای التذاذ و خوش‌گذرانی و غفلت از هدف دستگاه آفرینش و جایگاه انسان در جهان، زندگی می‌کنند (ولایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴). از دیگر ادله‌های که می‌توان برای ممنوعیت و حرمت شکار تفریحی به آن تمسک کرد این است که چنین کاری مصداق اسراف و تبذیر است و اسراف و تبذیر قطعاً حرام است. آیت‌الله خوئی در بیان تفاوت شکار لهوی با سایر انواع لهو که حرام نیست، به این نکته اشاره می‌کند که این کار علاوه بر لهو بودن، متضمن تبذیر و تضییع حقوق دیگران در انتفاع از حیوانات برای خوراک و تجارت است (خوئی، ۱۳۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۲).

حرمت تضییع حقوق دیگران

حیازت محدود است به اینکه موجب تنگی و زیان به دیگر مردم نگردد و اخبار حیازت منصرف به مقدار متداول بین مردم است و در جایی که جمعی از مردم به چیزی از مباحات که زیاد نیست نیاز دارند اگر یک نفر بیش از متداول برای خود بیندوزد غاصب حقوق دیگران است (مکارم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۳۵) و چنان‌که در بیان آیت‌الله خوئی نیز اشاره شد، یکی از مصادیق تضییع حقوق دیگران، شکار تفریحی و بدون نیاز به شکار است، زیرا زمینه استفاده دیگران از آن حیوان در مصارف مشروع را از بین می‌برد.

حرمت لهُو

یکی از مهم‌ترین عناوینی که برای اثبات حرمت شکار تفریحی به آن تمسک شده است عنوان لهُو است. بسیاری از فقها «لهُو» را حرام می‌دانند و شیخ انصاری در کتاب مکاسب، چنین نتیجه می‌گیرد که مسئله اصلی در مفهوم لهُو است و اگر لهُو به معنای مطلق «بازی» باشد حرام نیست؛ ولی اگر به معنای کارهایی برخاسته از خوشی شدید باشد که از آن به فرح شدید نیز یاد می‌شود بنا بر اقوی حرام است و اگر مطلق حرکات بی‌غرضی باشد که از شهوت برمی‌خیزد در حرمتش تردید است (انصاری، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۴۱-۴۹).

نکته مهمی که در بحث ما وجود دارد این است که صدق عنوان لهُو محرم بر اقسام زیادی از شکار توسط معصومین (علیهم‌السلام) صورت گرفته و جای شک و شبه‌های در آن نیست و این مطلب نشان می‌دهد که حتی اگر کسی عنوان لهُو را ثابت‌کننده حرمت نداند و بعضی مصادیق آن را غیر حرام بداند، ولی شکار تفریحی از اقسام لهُو حرام است.

حرمت باطل

باطل در بحث‌های فقهی یکی از عناوینی است که اگر بر فعلی صدق کند آن فعل ممنوع و حرام است و روایت یونس از امام رضا (علیه‌السلام) درباره حکم غنا (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۲۷) بر این مطلب دلالت روشنی دارد که هر کاری که در دایره باطل قرار بگیرد، ائمه (علیهم‌السلام) درباره آن حکم به ترخیص نمی‌دهند. شیخ انصاری در بحث غنا پس از بررسی ادله چنین نتیجه می‌گیرد که ظاهراً همه این ادله حرام بودن «غنا» به‌خاطر صدق عنوان «لهُو» و «باطل» بر آن است (انصاری، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۲۹۰). در بحث ما نیز دلالت روشنی از روایات بر این مطلب وجود دارد که شکار تفریحی «باطل» و «ناحق» و در نتیجه حرام است (خوئی، ۱۳۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۱).

حرمت بغی

طبق روایتی که در شرح آیات «غیر باغ» ذکر شد، شکار کردن یکی از مصادیق «بغی» است و این مطلب با روایاتی که شکار را کاری «ناحق» و «باطل» معرفی

می‌کند هماهنگ است. ولی روایاتی که در شرح این آیات آمده توضیح ندادند که به چه خاطر شکار، بغی دانسته شده است؟ لذا توضیحی را درباره «بغی» و اینکه چرا شکار، بغی است و اینکه حکم شرعی بغی چیست ارائه می‌کنیم.

ماده بغی ۹۹ بار در قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲) و در اصل به معنای طلب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۷). به گفته ابن فارس، بغی دو اصل دارد که یکی به معنای خواستن چیزی و دیگری به معنای فساد و ظلم است (ابن فارس، ۱۴۲۹ق، ۱۲۶). به گفته راغب اصفهانی بغی در لغت به معنای این است که انسان دنبال گذشتن از حد میانه باشد، لذا بغی می‌تواند پسندیده یا ناپسند باشد و به همین خاطر در بعضی از آیات قرآن قید «بغیر الحق» را پس از «بغی» می‌بینیم، ولی اغلب در موارد مذموم و ناپسند به کار می‌رود (راغب، ۱۴۲۶ق، ص ۴۶). بعضی لغویین نیز بر این باورند که بغی دو اصل دارد که یکی به معنای خواستن چیزی و دیگری به معنای فساد و ظلم است (ابن فارس، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲۶). روایاتی که در تفسیر این آیه نقل شده مصادیق آن را خروج بر امام، زنا و شکار می‌شمارد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۴، بحرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۵). ماده بغی در سایر روایات نیز در مصادیقی همچون خروج بر علیه امام، زنا و فحشا، شکار، طغیان و ظلم به کار رفته است (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۳۷).

طبق نص آیه «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۳) «بغی» قطعاً یکی از محرمات است.

همچنین در آیه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰) بغی یکی از کارهایی است که خداوند از آن نهی کرده است.

بنا بر نص آیات «غیر باغ و لا عاد»، اگر کسی به خوردن میته اضطراب پیدا کند حکم حرمت از او برداشته می‌شود مگر اینکه صیاد یا سارق باشد و این دو گروه حتی اگر اضطراب پیدا کنند، باز هم حق ندارند به خوردن محرمات مذکور

اقدام نمایند. این آیات شریفه حکم بسیار سخت و شدیدی را برای بغی و عدوان بیان نموده است. طبق روایتی که گذشت، بغی به شکار تفسیر شده است و نشان می‌دهد که شکار از مصادیق اعلا و آشکار بغی است و حکم و مجازاتش این چنین سخت است. اضطرار یکی از احکام ثانویه است که با به وجود آمدنش احکام اولیه برطرف می‌شود، ولی طبق این آیه شریفه شکارچی که باغی است حتی در صورت اضطرار نیز حق استفاده از لاشه میته را ندارد و از این جواز مستثنی است، یعنی باید از گرسنگی بمیرد؛ ولی حق خوردن لاشه میته را ندارد؛ بنابراین در چنین سفری گرچه آنها ناچارند برای حفظ جان خود از غذای حرام بخورند؛ ولی گناهش در نامه عملشان نوشته خواهد شد، و به تعبیر دیگر این ستمگران برای حفظ جان خود واجب است به حکم عقل از این گوشتها بخورند؛ اما این وجوب از مسئولیت آنها چیزی نمی‌کاهد، چرا که در مسیر غلط چنین اجباری را پیدا کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۸۴). چنین حکم سخت‌گیرانه‌ای نشان‌دهنده میزان ناپسندی شکار در نزد شارع مقدس است.

لکن آیت الله خوئی این حکم را تعبدی می‌داند که دلالت و ربطی به حرام و گناه بودن شکار ندارد، خصوصاً وقتی می‌بینیم که کارهایی مانند قتل و شرب خمر و... که اثم و فسق آنها بیشتر از شکار است چنین حکمی ندارند. پاسخ این است که اگر توجه کنیم که این حکم مربوط به بغی به معنای ظلم است که طبق روایاتی که در تفسیر این آیه نقل شده خروج بر امام، زنا، و شکار از مصادیق آن هستند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۴) روشن است که اثم و حرمت بغی به این معنا برای صدور چنین حکمی مناسب است و استبعادی ندارد.

ممنوعیت رویه شدن حرام و مکروه

اگر شکار تفریحی حرام قطعی باشد مجاز نیستیم که با قانونی کردن آن، یک فعل حرام را به یک رویه تبدیل کنیم. اما اگر این شکار مکروه باشد یا مصادق شبهه تحریمیه باشد باز هم مجاز نیستیم که آن را تبدیل به یک رویه کنیم؛ زیرا چنین کاری نشان‌دهنده مطلوبیت آن در نظام اجتماعی است که به تبشیر تبلیغ و تشویق مردم به چنین کاری انجام می‌شود و چنین مسئله‌ای نباید در نظام اسلامی

اتفاق بیفتد و اگر فرضاً کاری؛ مانند سیگار کشیدن که ضرر و آسیب فراوانی دارد به دلیل مصالحی مجاز بشود، باز هم باید با روش‌های مختلف تلاش کرد تا مردم سراغ آن نروند:

۱- طبق بیان امام صادق علیه السلام در مقبوله عمر بن حنظله: و من أخذ بالشبهات ارتكب المحرمات و هلك من حيث لا يعلم (نوری، ۱۴۲۹، ج ۱۷۸، ص ۳۲۱)، یعنی اگر انسان مرتکب کارهای محتمل الحرمة شود در محرمات واقع می‌شود.

۲- در چندین حدیث نقل شده است که ترک سنت یکی از مهلکات است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۷ و ۵۹؛ ج ۲۰، ص ۳۰ و ۳۱؛ طوسی ۱۴۱۱ق، ص ۵۳۱) مانند حدیث صحیح السنندی که می‌فرماید: سه چیز از مهلکات هستند: پیمان شکنی، ترک سنت، دوری از جماعت (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۰).

۳- جمعی از فقها به مقتضای این روایات فتوا داده‌اند که ترک سنت، حرام است، تا جایی که شهید اول و محقق کرکی ترک سنت را از گناهان کبیره به شمار آورده است (عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۵؛ عاملی کرکی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۴)؛ لذا حتی اگر به مقتضای فقه فردی و با اجرای اصول عملیه کاری مجاز شمرده شود؛ باز هم نمی‌توان چنین کاری را به صورت قانونی مجاز شمرده و به یک رویه و روال تبدیل و از آن تبلیغ و حمایت کرد.

مقتضیات زمان و مکان

لحاظ شرایط زمان و مکان در مسائلی که با لحاظ حیثیت تقییدیه حکم خاصی پیدا می‌کنند بسیار مهم است. از سوی دیگر، احکام فقهی می‌تواند بر شرایط و حالتی که برای موضوع پیش می‌آید مؤثر باشد و آن را دچار تغییر نماید (نک: خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۴۹). به عنوان مثال خرگوش صحرایی در ایران جمعیت مناسبی دارد، ولی از آنجایی که در فقه شافعی گوشت خرگوش حلال است، در بسیاری از مناطقی که کردهای اهل تسنن تابع فقه شافعی زندگی می‌کنند، به علت شکار بیرویه به خصوص با کمک سگ‌های تازی، جمعیت این حیوان به شدت کاهش یافته است (اسلامی دهکردی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۴). درباره حکم شرعی نهایی که درباره جواز شکار بیان می‌شود بایستی شرایط امروزی

محیط زیست و حیات وحش و کشتش و تابآوری زیستگاه و توازن و تعادل زیستی و در معرض انقراض بودن بعضی گونه‌ها را مدنظر قرار داد.

توجه به این مقتضیات، در حکم شکار برای تجارت اهمیت ویژه دارد. امروزه آیا می‌توان شکار را به عنوان یک شغل و راه کسب درآمد مجاز دانست و به رسمیت شمرد؟ به نظر می‌رسد حتی اگر ثابت بشود که در گذشته چنین کاری شرعاً مجاز بوده، ولی امروزه نمی‌توان چنین کاری را مجاز دانست و باید برای صدور مجوز به نیازهای ضروری افراد اکتفا شود، زیرا امروزه هم شرایط زندگی عموم مردم تغییر کرده و هم شرایط شکار حیوانات. از سویی تعداد شکارچیان امروزی صدها برابر قرن‌های گذشته است و فناوری‌های شکار پیشرفت چشمگیری کرده و به آسانی قابل تهیه کردن است، و از سویی زیستگاه حیوانات بسیار محدود شده و با افزایش جاده‌ها و خودروهای قوی، دسترسی به حیوانات برای شکارچیان بسیار آسان شده است. این عوامل باعث شده که نسل حیوانات در بسیاری از مناطق از بین رفته و در بسیاری از مناطق در خطر نابودی است و با کوچک‌ترین سهلانگاری از سوی متولیان امر، ممکن است بخش زیادی از تنوع و دارایی‌های زیستی کشور که یک ثروت عمومی متعلق به تمام نسل‌های بشری است، کلاً نابود شود.

مزایای شکار توسط نیازمندان و معایب شکار توسط مرفهین

هرساله تعداد زیادی از حیات وحش کشور به صورت غیرمجاز و مخفیانه شکار می‌شوند. بسیاری از این گونه شکارها توسط افراد بومی صورت می‌پذیرد که گاهی برای نیاز و امرار معاش انجام می‌شود و گاهی شکارچی توان چرخاندن زندگی را دارد؛ ولی هم برای تفریح و عادت به شکار و هم برای دست یافتن به گوشت رایگان این کار را انجام می‌دهد. بسیاری از شکارچیان محلی می‌دانند که جمعیت این حیوانات در منطقه‌شان رو به کاهش است و گاهی در معرض نابودی است، ولی آنچه آنان را برمی‌انگیزد که به شکار در منطقه خود بپردازند این است «اگر ما شکار نکنیم از ما بهتران شکار می‌کنند» یا اینکه «خود شکاربانها وقتی لاشه را از ما می‌گیرند بین خودشان تقسیم می‌کنند و از این شکارها استفاده می‌کنند» و از این دست بهانه‌هایی که در زبان‌های عرف در جریان است. یکی از

مهم‌ترین عوامل تولید و ترویج چنین بهانه‌هایی صدور مجوز شکار برای مرفهین توسط سازمان است. اگر سازمان این رویه را در پیش بگیرد که پروانه شکار را مگر برای نیازمندان صادر نکند قطعاً ذهنیت بسیار بهتری در جامعه و مردم نسبت به عملکرد سازمان شکل خواهد گرفت. همچنین لاشه‌های شکار که از متخلفین کشف می‌شود اگر به نیازمندان داده بشود قطعاً راه بهانه‌جویی شکارچیان متخلف برای تعارض با محیط‌بانان بسته خواهد شد.

بزرگ‌ترین ثمره و حسن چنین کاری این است که ملاک «نیاز» به‌عنوان تنها مجوز شکار حیوانات شناخته خواهد شد و هرکس بدون نیاز اقدام به شکار نماید، به‌عنوان تضییع کننده حقوق قشر مستضعف جامعه شناخته خواهد شد و شکار از روی بینبازی و کشتن بیدلیل حیوانات، «قبح» واقعی خودش را در جامعه پیدا خواهد کرد.

یکی دیگر از معایب شکار توسط مرفهین و ترویج قرق‌های خصوصی این است که جوامع محلی نسبت به سرمایه‌داران قرق‌دار هستند و همچنین نسبت به شکارچانی که شکارهای منطقه‌شان را می‌زنند احساس حسادت و کینه می‌کنند و درصدد تلافی یا گرفتن حق خود از منطقه بوم خود برمی‌آیند. درحالی‌که اگر فقط نیازمندان بومی هر منطقه حق شکار مازاد تعادل حیوانات وحشی منطقه را داشته باشند قطعاً در برابر شکار غیرمجاز و شکارچیان غیرمحلی و برداشت بیش از تعادل از ظرفیت شکارگاه حساسیت پیدا می‌کنند و از داشته‌های منطقه خود در برابر خطرات و آفات دفاع و حمایت می‌نمایند.

تأسیس اصل فقهی شکار

با توضیحاتی که گذشت، اصل اولیه در این مبحث این است که با توجه به حق حیوانات برای زندگی، کشتن بدون دلیل آنان جایز نیست و خروج از این اصل نیاز به دلیل دارد. پس از بررسی آیات و روایات، روشن می‌شود که جواز کشتن حیوانات وحشی در سه مورد وجود دارد: ۱- شکار آنان برای تأمین قوت خود و خانواده است؛ ۲- شکار برای تجارت نیز تنها برای کسی جایز است که راه دیگری برای تأمین معاش ندارد قابل اثبات است؛ ۳- شکار و کشتن حیوانات

برای مصلحتی مانند دفع ضرر و آفت. خروج از اصل نسبت به شکارهایی در غیر این سه مورد مانند شکار برای تجارت و کسب درآمد بیشتر از مایحتاج یا تجارت برای کسی که می‌تواند از راه دیگری کسب و کار کند قابل اثبات نیست. اما نسبت به شکارهای تفریحی که مصداق عنوان لهُو و باطل باشد، ثبوت حرمت بدیهی است و علاوه بر ماندن در اصل ممنوعیت، چندین دلیل صریح بر حرمت آن وجود دارد.

از جمع‌بندی روایات چنین به دست می‌آید که شکار برای تفریح قطعاً کاری «باطل» و مصداق روشن «لهُو» است. نکته مهم در این روایات این هست که مدلول هیچ‌یک از این روایات با یکدیگر تناقض ندارند که نیاز به کنار گذاشتن یک روایت برای تعارض با روایت دیگر باشد و در نهایت روایاتی که شکار را به صورت مطلق ممنوع دانسته‌اند بر روایات مقید حمل می‌شوند.

ولی با جمع‌بندی آیات و روایات به نظر می‌رسد شکار، خودش «بغی» و «لهُو» و «باطل» و یکی از گناهان است و حرمت تکلیفی دارد، مگر در مواردی که از سوی شارع مجاز شمرده شده باشد. طبق صحیح‌ه حماد از امام صادق علیه‌السلام، شکار یکی از مصادیق بارز بغی است. همچنین طبق روایاتی که نقل شد، عنوان «لهُو» و «باطل» نیز درباره شکار تفریحی صدق می‌کند که هریک از این عناوین بر حرام بودن این کار دلالت می‌نماید.

بررسی اقوال فقها

فتاوی فقها درباره شکار برای نیاز در خوراک

شکار برای نیاز به خوراک از نظر همه فقهای فیه نفسه حلال و بدون اشکال است. کسی که برای خوراک خود و خانواده به شکار نیاز دارد، سفرش حلال است و نماز و روزه‌اش در صورت وجود سایر شرایط شکسته است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۵۴).

محقق حلی درباره حکم اینگونه شکار می‌گوید: «و لو كان الصيد لقوته و قوت عیاله قصّر» (محقق حلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۰۶). صاحب مدارک نیز این فتوا را تأیید کرده و می‌گوید تلاش کسی که برای قوت خود و خانواده به شکار می‌رود

نه تنها مأذون، بلکه مأموره است و مانند سایر سفرهای طاعت خداوند است (موسوی عاملی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۴۴۸).

صاحب مستمسک نیز به تبع عروه، این فتوا را پذیرفته و با نقل اجماعاتی که بر این فتوا در کتب اصحاب ذکر شده است این مسئله را مانند صاحب جواهر دارای اجماع منقول و حتی محصل می‌داند (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۳۳؛ نجفی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۶۴).

فتاویٰ فقها درباره شکار برای تجارت

اگر تلاش فرد برای شکار حیوانات وحشی به خاطر نیاز خوراک نباشد؛ بلکه با هدف فروش و تجارت و کسب درآمد باشد، طبق فتوای مشهور متأخرین از فقها این فرد نباید روزه بگیرد و نمازش شکسته است، ولی اکثر قداما قائل بودند که روزه این فرد شکسته می‌شود؛ ولی نمازش کامل است (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۵۴). نکته مهمی که شیخ محمدرضا آلیاسین در حاشیه عروه به آن اشاره کرده این است که الحاق تجارت به حاجت به شرط احتیاج به تجارت برای معاش است وگرنه اشکال دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۴۳۹).

محقق حلی نیز درباره حکم شکار برای تجارت می‌گوید: «و لو كان للتجارة قيل يقصر الصوم دون الصلاة وفيه تردد» (حلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۰۶). صاحب مدارک در شرح این عبارت می‌گوید: «و الأصح الحاق صيد التجارة به (أى بالقوت) كما اختاره المرتضى رضى الله عنه و جماعة للإباحة، بل قد يكون راجحاً أيضاً. و القول بأن من هذا شأنه يقصر صومه و يتم صلاته للشيخ فى النهاية و المبسوط و أتباعه». نهایتاً صاحب مدارک قول محقق حلی در معتبر که گفته نماز و روزه همواره در قصر و اتمام حکم یکسانی دارند را می‌پذیرد و تفصیل بین آنها را درست نمی‌داند (موسوی عاملی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۴۴۸). و از این رو امام خمینی که به شکسته بودن نماز این فرد فتوا داده‌اند احتیاط را در این دانسته‌اند که بین اتمام و قصر جمع نماید: «و كذا إذا كان للتجارة بالنسبة إلى الإفطار، و أما بالنسبة إلى الصلاة ففيه إشكال، و الأحوط الجمع» (خمینی،

۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶۵). عمده دلیل اینکه فقها چنین شکاری را مباح دانسته‌اند این است که غرض معقولی پیدا کرده و از عنوان «لهو» و «معصیت» خارج شده است (ترحینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۸۸).

صاحب وسایل و صاحب مستدرک با عنوانی که برای این باب انتخاب کرده‌اند فتوای خود را چنین بیان می‌نمایند: «بَابُ أَنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى الصَّيْدِ لِلَّهِوِ أَوْ الْفُضُولِ وَجَبَ عَلَيْهِ التَّمَامُ وَإِنْ كَانَ لِقُوتِهِ أَوْ قُوتِ عِيَالِهِ وَجَبَ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۷۸؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۳۲) و بدین سان سفر برای فضول و تجارت را در حکم سفر لهو می‌شمارند که نماز در آن کامل است.

فتاویٰ فقها درباره شکار تفریحی

فتوای بسیاری از مراجع عظام تقلید این است که کسی که برای تفریحی و خوش‌گذرانی بخواهد حیوانات را چه در خشکی و چه در دریا (طباطبایی‌یزدی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۴۳۹) شکار کند نمازش در این سفر کامل است و بعضی این فتوا را اجماعی دانسته‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۳۳) اما اینکه آیا سفر شکار برای تفریح، سفر معصیت و فعل شکار حرام است یا خیر؟ بسیاری از علما آن را حرام و معصیت دانسته‌اند و بعضی دیگر آن را ملحق به معصیت دانسته‌اند که حکم سفر معصیت را دارد.

به‌عنوان نمونه محقق حلی صید لهوی را معصیت دانسته است می‌گوید: «ولو كان معصية لم يقصر، كاتباع الجائر وصيد اللهو» (محقق حلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ صاحب مدارک در شرح این عبارت چنین گفته است: «هذا الشرط مجمع عليه بين الأصحاب كما نقله جماعة منهم المصنف في المعتبر والعلامة في جملة من كتبه و تدل عليه روايات» (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۳۳). شیخ انصاری نیز در بحث لهو در کتاب مکاسب، لهو را حرام دانسته و در تأیید این حکم، فتوای بسیاری از علما را نقل کرده که نماز شکارچی را تمام دانسته‌اند و دلیل آن را حرام بودن چنین سفری ذکر کرده‌اند (انصاری، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۴۱ نک: محمد بن مکی ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۱۴). صاحب جواهر پس از بررسی نصوص دال بر حرمت صید لهوی، تنها مخالف در مسئله را مقدس بغدادی می‌داند و با

نقل کلام ایشان آن را مانند اجتهاد در مقابل نص و مخالف فتاوا و نصوص دانسته، قائل به حرمت می‌شود (نجفی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۶۴)، محقق همدانی دلالت نصوص بر حرمت را در حد اشعار دانسته و فتوای مقدس بغدادی را تنها مخالف فتاوا می‌شمارد؛ ولی آیت‌الله خوئی پس از نقل این قول و بررسی نصوص، سند و دلالت بعضی از آنها بر حرمت را غیر قابل مناقشه می‌داند و فتوای مشهور به حرمت صید لهوی را درست می‌شمارد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۱۱۱).

فتاوی فقهای معاصر

همچنین در فتاوی فقهای معاصر چنین آمده است:

شکاری که بدون هدف تأمین معاش باشد، برای مثال جهت تفریح و تفرج، چه حکمی دارد؟ (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

پاسخ: شکاری که بدون هدف تأمین معاش و استفاده از گوشت آن انجام شود، لهُو و تکلیفاً حرام است؛ اما اگر با شرایط، صید شده باشد، استفاده از گوشت آن مانعی ندارد.

شکار و صید به جهت تفریح و تفتن و صدور مجوز از طرف سازمان‌های ذی‌ربط در این مورد چه حکمی دارد؟ (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱). پاسخ: شکارکردن لهوی و صدور مجوز برای آن جایز نیست.

سفر کسی که با هدف تفریح جهت شکار از وطن خود خارج می‌شود چیست؟ پاسخ: سفر کسی که برای شکار لهوی می‌رود سفر معصیت و نماز او در این سفر تمام است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

آیت‌الله وحید خراسانی: اگر برای لهُو و خوش‌گذرانی به شکار رود، سفرش در رفتن حرام و نمازش تمام است (وحید خراسانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶).

آیت‌الله شبیری زنجانی: اگر برای لهُو و خوش‌گذرانی به شکار رود، حرام و نمازش تمام است و باید روزهاش را بگیرد (شبیری زنجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۹).

آیت‌الله مکارم شیرازی: کسی که برای لهُو و تفریح و خوش‌گذرانی به شکار می‌رود، سفرش حرام و نمازش را باید تمام بخواند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۵).

لکن بعضی از فقها در بحث نماز شکارچی، شکار تفریحی را معصیت ندانسته‌اند؛ بلکه فقط حکم آن را ملحق به حکم سفر معصیت دانسته‌اند و گاهی مانند آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله سیستانی به گناه نبودن آن تصریح کرده‌اند (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۹۸)

ظاهر عبارت امام خمینی رحمته‌الله علیه: «یلحق بسفر المعصية السفر للصيد لهوا كما يستعمله أبناء الدنيا» (خمینی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶۵) نیز چنین می‌رساند که نظر ایشان این است که صید لهوی معصیت نیست و ملحق به آن است.

فتوا و بیانات صریح آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای درباره مسئله شکار، بیانات و فتوای صریح و روشنی دارند که اگر صرفاً همین بیانات به دست ما می‌رسید، حجت را بر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور تمام می‌کرد که اقدامات لازم را نسبت به آن به انجام برسانند. «یک موضوع دیگری که در باب حفاظت از محیط‌زیست موردنظر است، مسئله حفاظت از حیات وحش است. اینکه نسبت به حیات وحش و حیواناتی که در سرتاسر کشور در جنگل‌ها، در بیابان‌ها، در دشت‌ها متفرق‌اند، بی تفاوت باشیم، قطعاً به ضرر منافع ملی است. مسئله شکار غیرقانونی را باید جدی گرفت. در شرع مقدس اسلام، شکار فقط در صورتی که کسی برای تغذیه نیاز به شکار داشته باشد مجاز است؛ در غیر این مورد، اصلاً شکار مجاز نیست، شرعاً اجازه شکار داده نشده. شما در کتاب‌های فقهی که نگاه کنید، می‌گویید نماز در سفری که برای شکار انجام می‌گیرد تمام است؛ یعنی سفر، سفر حرام است؛ معنایش این است دیگر؛ یعنی این کار یک کار خلاف است. این را باید توجه کرد؛ بحث حیات وحش بسیار مهم است» (خامنه‌ای، پایگاه اینترنتی، بیانات در روز درخت‌کاری، ۱۵ اسفند سال ۱۴۰۰).

«محیط‌زیست؛ یعنی این حیواناتی که در بیابان‌ها هستند و مال بشرند، مال نیازهای بشرند، مال تفریح نیستند که این‌هایی که می‌روند شکار به‌عنوان تفریح برای خوش‌گذرانی می‌زنند یک حیوان را... خب چرا این کار را می‌کنند؟ بله این حیوان برای خوردن مردم است، اما آن کسی که می‌رود این را شکار

می‌کند از روی تفنن، تفریح، بدون احتیاج، بدون نیاز، این افراط می‌کند، این خراب می‌کند، به‌علاوه که بعضی از این حیوانات نسلشان، نسل منحصر و بسیار ارزشمندی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۱۹، بیانات ۶۷/۳/۲۰).

«محیطزیست؛ یعنی همین هوایی که شما استنشاق می‌کنید، این محیطزیست است. محیطزیست؛ یعنی این آبی که می‌نوشید. محیطزیست؛ یعنی این خاکی که در آن زراعت می‌کنید که اگر نباشد نان خوردنتان را ندارید. محیطزیست؛ یعنی این حیوانات گوناگونی که نسل آنها رو به انقراض است، الان در ایران پرنده‌هایی هست و چرنده‌هایی است در جنگل‌ها و در آسمان‌ها که در همه دنیا منحصر به فرد است؛ مثلاً گوزنی ما داریم که در همه دنیا منحصر به فرد است، فقط همین جا هست، حالا از این گوزن قیمتی باارزش، از این حیوان زیبا چند تا دانه در بیابان‌های ایران هست؟ آن کسانی که مطلع‌اند می‌گویند خیلی کم! چرا؟ چون یک آقایی تفنگ شکاری‌اش را برداشته، برای خاطر عبث، برای خاطر فقط وقت‌گذرانی، نه برای خاطر رفع گرسنگی، نه چون گوشت نداشته، بلند شده رفته در جنگل و زده این حیوان را لتوپار کرده که گوشت کباب کند و بخورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۰، بیانات ۶۸/۳/۱۲).

طبق این فتوا شکار غیرقانونی و تفریحی حرام است، هرچند پاک و قابل استفاده شدن شکار به شرط رعایت شروط تذکیر بلا اشکال است.

جمع‌بندی اقوال و فتاوی فقها

از جمع‌بندی فتاوی فقها چنین به دست می‌آید که شکار برای تأمین قوت و مایحتاج زندگی شرعاً مجاز است و نماز در چنین سفری شکسته است مگر اینکه شغل کسی شکار باشد و راه دیگری نداشته باشد که در این صورت نمازش به‌خاطر کثیرالسفر شدن کامل است.

اما اگر کسی برای تفریح و خوش‌گذرانی به شکار برود چنین سفری معصیت یا در حکم معصیت است و نماز در این سفر کامل است.

حکم تکلیفی شکار

کشتن حیوانات تکلیفاً حرام است مگر در مواردی که مجوز شرعی برای آن وجود داشته باشد. درباره شکار حیوانات حلال گوشت وحشی تنها موردی که مجوز آن از سوی شارع صادر شده، شکار برای حاجت است یعنی نیاز و ناچاری برای تأمین قوت و مایحتاج خود و خانواده. در این معیار، قید نیاز اشاره به این دارد که فرد برای تأمین خوراک خود و عیالش چیزی نداشته باشد نه اینکه غذا برای خوردن دارد؛ ولی برای توسعه و تنوع در رزق شکار کند. قید ناچاری اشاره به این دارد که فرد راه دیگری جز شکار در پیش روی خود نداشته باشد.

در نتیجه اگر کسی راه دیگری به جز شکار برای تأمین قوت و مایحتاج دارد، شکار برای او حرام است و سفرش در این مسیر سفر حرام است و نمازش شکسته نمی شود و باید روزه بگیرد. همچنین است کسی که برای تفریح شکار کند و شکار لهوری چه در خشکی و چه در دریا تکلیفاً حرام است.

ظاهراً عنوان «حاجت» که مجوز شکار است، هم بر نیاز و ناچاری در خوراک صدق می کند و هم بر نیاز و ناچاری در تأمین مایحتاج معاش به وسیله فروش لاشه؛ لذا اگر غرض کسی از شکار، فروش و تجارت باشد نیز تنها در صورتی می تواند مجاز باشد که فرد در تأمین مایحتاج زندگی خود و خانواده اش راه دیگری نداشته باشد.

به عقیده بعضی از فقها در شکار برای تجارت با انتفای عنوان «لهو»، حرمت نیز منتفی می شود، لیکن باید توجه داشت که عنوان «بغی» نیز می تواند حرمت را اثبات نماید و این عنوان در شکار برای تجارت در صورتی که فرد بتواند از راه دیگری معاش خود را تأمین کند صدق می نماید؛ لذا انتفای «لهو» برای انتفای حرمت کافی نیست. اما ممکن است شکار برای تجارت به شکار برای حاجت برگردد، یعنی فردی که برای تأمین ضروریات زندگی خود (نه برای توسعه زندگی) راهی جز شکار و فروش آن ندارد، در این صورت حکم شکار برای تجارت همان حکم شکار برای حاجت است.

صید حیوانات دریایی برای تجارت اشکالی ندارد و دلیل این مطلب اشاره آیه

۹۶ سوره مائده و انصراف روایات ناهیه، به صید حیوانات خشکی و سیره مستمر مسلمین است که برای تجارت به ماهیگیری می پرداختند و نهی خاصی درباره آن نقل نشده است. البته در این بخش نیز اگر کسی بیش از حد متعارف صید کند که حقوق سایرین در امکان استفاده از این ثروت طبیعی پایمال و غیرقابل دسترس شود یا موجب خسارت شدید به محیط زیست شود، چنین صیدی اشکال پیدا می کند. مصداق بارز این امر، صید ترال است که انبوه ماهیان یک منطقه را از بین می برد و عرصه بر صیادان محلی تنگ می شود.

حکم تذکيه در شکار

اثبات شد که شکار تفریحی یا غیرقانونی حیازت را به همراه نمی آورد، پرسشی که در ادامه پیش می آید این است که آیا چنین شکاری مذکی است؟ در صورتی که شکار غیرقانونی مذکی نباشد حیوانی که شکار شده میته است و نمی توان از لاشه آن برای خوراک انسان استفاده کرد یا آن را به عنوان جایزه به محیط بانها داد و یا آن را به مصرف نیازمندان رساند. ولی ممکن است بگوییم کسی که حیوان وحشی را غیرقانونی یا تفریحی شکار کند هرچند فعل حرامی انجام داده و مالک لاشه نیست، ولی به خاطر اینکه سایر شرایط تذکيه را رعایت کرده، تذکيه اتفاق افتاده و حیوانی که شکار شده میته نیست و مذکی است و می توان از گوشت آن استفاده کرد.

اصل عدم تذکيه چنین بیان می کند که در جایی که شک داریم که حیوان حلال گوشت به صورت صحیح تذکيه شده یا نه اصل عدم تحقق تذکيه است. لکن در بحث ما فرض بر این است که سایر شرایط تحقق تذکيه مانند مسمان بودن شکارچی و تیز و بُرنده بودن تیر و تسمیه در هنگام شلیک تیر رعایت شود و ما فقط از این جهت بحث می کنیم که غرض شکارچی مورد تأیید شارع مقدس نیست، در این صورت می توانیم بگوییم «اگر شرایطی که برای تحقق تذکيه در کتب فقهی بیان شده است رعایت شود، تحقق تذکيه بلا اشکال است؛ اما باین وجود، شکارچی که برای غیر نیاز، اقدام به شکار کرده کار حرامی انجام داده و حق برداشتن لاشه را ندارد و باز هم تنها کسی که حق استفاده از لاشه را دارد

فردی است که برای خوراک خود و عیالش نیازمند است».

به عبارت دیگر بین تحقق تذکيه با تحقق حيازت و ملکيت تلازمی برقرار نیست که در صورت نفی حيازت، تذکيه نیز منتفی گردد.

تحقق تذکيه در شکار نیازمند تحقق شرایطی است که در کتب فقهی در یک باب جداگانه ذکر شده و بین تحقق تذکيه با تحقق حيازت تلازمی وجود ندارد؛ لذا اگر کسی ولو برای تفريح شکار کند و شرایط تذکيه را رعایت نماید، شکار پاک و مذکی است؛ ولی صرفاً برای نیازمندان قابل استفاده است.

حکم شکار برای سایر نیازها

نیازهایی که انسان برای آن ممکن است به شکار حیوانات وحشی اقدام کند در خوراک و تجارت و تفريح منحصر نیست، بلکه هر شخص باتوجه به نوع زندگی که دارد می تواند نیازهای متنوعی از زندگی خود را با حیوانات وحشی تأمین نماید. به چند مثال اشاره می شود:

یکی از مصارف لاشه آهو، گرفتن ماده خوشبویی به نام مُشک یا استفاده از پوست آن برای نوشتن حرز است که شخص ممکن است برای استفاده پوست یا مشک برای خود یا برای فروش به دیگران و کسب درآمد اقدام به شکار نماید. یکی از مصارف لاشه کل (پازن) یا قوچ و سایر حیوانات وحشی، استفاده از شاخ آنها برای ساختن نوعی شیپور یا ساختن دسته چاقو است. یکی از مصارف لاشه شکارها، تاکسیدرمی کردن آنها یا استفاده از شاخ آنها برای تزئین سردر یا داخل ساختمان و یا نصب در نمایشگاهها یا استفاده از پوست و شاخ آنها برای ساختن لوازم دکوری داخل ساختمان است. یکی از دلایل شکار حیوانات، ضرر زدن آنها به زمینه ها و محصولات کشاورزی است.

باتوجه به اصلی که اثبات شد که شکار صرفاً برای نیاز در خوراک مجاز است، اگر کسی که برای خوراک خود و خانواده یا برای کسب درآمد نیاز به شکار ندارد، ولی بخواهد از بخشی از لاشه حیوانات وحشی استفاده نماید یا باید آن را از نیازمندی که شکار کرده بخرد، یا اینکه از مراکز تکثیر حیات وحش، حیوان

یا گوشت آن را خریداری نماید و با ذبح شرعی بتواند از گوشت آن استفاده کند. اگر کسی برای دفع ضرر حیات وحش بخواهد آنها را شکار کند باید از مراجع ذی ربط اجازه بگیرد و آنها باید اقدام شکار و مصرف لاشه را به شکلی که خواهد آمد انجام دهند.

نتایج

از نظر اسلام، شکار فی نفسه امری مذموم و ناپسند و مسیری باطل است. اصل اولی درباره کشتن و شکار کردن حیوانات، ممنوعیت و حرمت است. تنها مورد مجاز شکار در صورتی است که شکارچی برای تأمین قوت و مایحتاج خود و خانواده چارهای جز شکار نداشته باشد. صید ماهی برای تجارت تا حدی جایز است که به حقوق سایر ماهیگیران تعدی نشود و نسل ماهیان در معرض خطر نباشد. شکار تفریحی حیوانات خشکی و حیوانات آبی حرام است. در شکار تفریحی و شکار غیرقانونی اگر شکارچی شرایطی را که فقها در کتاب الصيد و التذکيه ذکر کرده‌اند رعایت کند، تذکيه تحقق می‌یابد و فرد نیازمند می‌تواند از گوشت شکار استفاده نماید.

توصیه‌های سیاستی

کنترل جمعیت گونه‌های حیوانی از طریق شکار توسط نیازمندان یا به نفع آنها

یکی از مسائلی در پاسخ به ممنوعیت شکار توسط اغنیا مطرح می‌شود این است که گاهی جمعیت گونه‌هایی که قابلیت شکار شدن دارند در یک منطقه از تعادل خارج می‌شود و لازم است که برای حفظ تعادل و توازن جمعیت، تعدادی از حیوانات شکار شوند. پاسخ این است که در صورتی که جمعیت یک گونه حلال گوشت در یک منطقه از تعادل خارج شود و این تصمیم گرفته شود که تعدادی از آنها کاهش پیدا کند و شکار شود، طبق ملاکی و معیاری که بیان شد، فقط افرادی که برای گذران زندگی و معاش به شکار کردن نیاز دارند می‌توانند از سازمان پروانه شکار بگیرند. در این زمینه نهادهایی که متولی امور نیازمندان

هستند می‌توانند طی هماهنگی با سازمان نسبت به شکار جمعیت اضافه شکارها به‌وسیله خود نیازمندان و یا با استخدام شکارچی اقدام کنند و یا خود سازمان نسبت به شکار تعداد اضافی جمعیت اقدام کند و شکارها را به نیازمندان تحویل بدهد و در هیچ‌یک از این سازوکارها شکار برای تفریح انجام نمی‌شود و از نظر شرعی مشکلی ندارد.

پرهیز از صدور پروانه شکار برای کسب درآمد سازمان

بعضی مخالفان شکار مدعی هستند که صدور پروانه شکار توسط سازمان صرفاً به‌خاطر کسب درآمد انجام می‌شود (خوشدل، ۱۴۰۰، ص ۲۹). باتوجه به ضابطه بیان شده توسط شارع مقدس که شکار صرفاً برای نیاز جایز است، هدف سازمان از صدور پروانه شکار نباید کسب درآمد باشد، زیرا کسی که برای خوراکش به شکار نیاز دارد، توان پرداخت هزینه قابل توجهی برای دریافت پروانه را ندارد.

احراز نیازمندی برای صدور پروانه‌های شکار پرندگان

یکی از پروانه‌هایی که به‌صورت سالانه توسط سازمان برای شکارچیان صادر می‌شود پروانه شکار پرندهاست که در فصل پاییز در قبال پرداخت وجه ناچیزی صادر می‌شود. برای صدور این پروانه اینکه شکارچی نیازمند باشد اصلاً مطرح نمی‌شود، درحالی‌که طبق ملاک و معیاری که مطرح شد صدور پروانه شکار فقط برای افرادی درست است که برای امرار معاش به شکار نیاز داشته باشند. برای احراز نیاز داشتن شکارچی، سازمان می‌تواند از متقاضیان پروانه شکار درخواست کند که از نهادهای متولی امور نیازمندان مانند کمیته امداد، گواهی مبنی بر نیاز و اعسار ارائه نمایند.

تحویل لاشه‌های کشف شده از متخلفین به نیازمندان

طبق قانون تصمیم‌گیری درباره لاشه شکارهایی که از متخلفین کشف و ضبط می‌شود به مسئولان ادارات محیط‌زیست واگذار شده است. روال کنونی بر این است که لاشه شکار به‌عنوان جایزه و تشکر به مأمورانی که در کشف و برخورد با جرم دخالت داشته‌اند داده می‌شود. این در حالی است که طبق ملاکی که درباره

شکار حیوانات وحشی گفته شد که فقط نیازمندان حق شکار حیوانات را دارند، بهتر است لاشه شکارهایی که از متخلفین کشف می شود نیز به نیازمندان داده شود؛ زیرا افرادی که در مأموریتها شرکت می کنند عموماً کارمندان سازمان هستند و نیازی به گوشت شکارها برای تأمین معاش ندارند و از طرفی تحویل این گوشتها به این افراد باعث لجبازی و افتادن بهانه به دست شکارچیان متخلف می شود که گوشت شکار را حق خود بدانند. با این اوصاف خوب است که لاشه شکارهای کشف شده به نیازمندان تحویل داده شود و این کار باعث احساس انس و مهربانی مردم با مأموران سازمان خواهد شد و ثمرات و برکات دیگری نیز برای سازمان و نظام خواهد داشت ان شاء الله تعالی.

اهدای جایزه از محل جریمه جبران خسارت

برای جایزه دادن به مأموران و گزارشگرانی که در کشف و برخورد با جرم شرکت داشته‌اند همان طور که در مصوبه هیئت وزیران آمده است که ده درصد از جریمه به کسی که تخلف را گزارش کند داده می شود، می توان قانونی گذاشت که بخشی هم به عنوان جایزه به مأموران موردنظر پرداخت شود.

تأسیس و ترویج باشگاه و مسابقه تیراندازی

باشگاه‌های تیراندازی به سوی اهداف پرتابی (تراپ) و اهداف ثابت و مسابقاتی که در آنها برگزار می شود یکی از راهکارهای جذاب برای کسانی است که به هیجان تیراندازی علاقه دارند. از سویی تمرین تیراندازی یکی از ورزشها و کارهای مورد تشویق اسلام است و شرط بندی در آن جایز است. تخلیه هیجان و انرژی صاحبان اسلحه‌ها در این فضا می تواند از استفاده سلاح برای کشتن حیوانات بکاهد. هرچند زمینه این کار از جهات مختلف فراهم است؛ ولی این ورزش و سرگرمی تاکنون آن چنان که باید در کشور، دنبال و ترویج نشده است.

تخصیص سهمیه فشنگ باتوجه به ظرفیت محیط زیست

هرساله تعدادی فشنگ با قیمت دولتی که زیر قیمت بازار آزاد است به عنوان سهمیه فشنگ به صاحبان اسلحه‌های دارای مجوز تعلق می گیرد. سازمان اسلحه و مهمات باید برد و ظرفیت زیستبوم را در این مسئله در نظر بگیرد، وگرنه این کار

بدون وجود زمینه مجاز برای استفاده از این فشنگها می‌تواند نوعی تشویق به شکار غیرمجاز تلقی شود و زمینه آن را فراهم کند.

درآمدزایی از گردشگری به جای شکار

این راه در آیین‌نامه خود سازمان نیز وجود دارد، لیکن درآمدی که از گردشگری حاصل می‌شود در بسیاری از مناطق انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری و حفاظت را ایجاد نمی‌کند. پس در کنار گردشگری خوب است راهکارهای جانبی دیگری نیز برای درآمدزایی طراحی و پیشنهاد گردد که اشاره می‌شود.

درآمدزایی از گیاهان دارویی و مرتعی به جای شکار

باتوجه به اینکه طبق قانون، قرق‌های خصوصی فقط در خارج از مناطق چهارگانه تحت حفاظت سازمان قابلیت واگذاری و بهره‌برداری دارند، می‌توان بجای اینکه درآمدزایی این قرق‌ها از شکار باشد، درآمدزایی از کاشت و داشت و برداشت گیاهان دارویی یا مرتعی باشد. در این طرح منطقه به این شرط به قرق‌دار واگذار می‌شود که از حیات وحش در برابر مخاطرات و شکار غیرمجاز محافظت نماید و در برابر این خدمت به او این اجازه داده می‌شود که حق بهره‌برداری از گیاهان دارویی یا مرتعی منحصرأً برای او باشد و حق جلوگیری از برداشت دیگران را داشته باشد.

استفاده از شرکت‌های تعاونی برای اجرای طرح‌های بالا

سپردن مناطق به شرکت‌های تعاونی یکی از راهکارهای خوب مردمی‌سازی حفاظت است. طبق تجربه در بسیاری از مواردی که سازمان‌های دولتی کاری را به اقسام شرکت‌های تعاونی می‌سپارند از انجام کار رضایت دارند. این راهکار مزایای دیگری نیز دارد؛ مانند اینکه مردم بیشتری در حفاظت دخیل می‌شوند و منطقه و حیوانات آن در انحصار افراد معدودی قرار نمی‌گیرد و این علاوه بر فرهنگسازی و ایجاد حس همیاری در همه مردم برای کمک به حفاظت باعث می‌شود که تنش‌های اجتماعی که ممکن است به خاطر حس لجبازی و حسادت شکارچیان محلی نسبت به قرق‌دار کاهش پیدا کند.

ترویج مراکز تکثیر حیات وحش

ممکن است بعضی از مردم که نیاز به شکار برای امرار معاش ندارند به خوردن گوشت حیواناتی مثل قوچ و آهو و... و یا خرید پوست (مثلاً برای نوشتن حرز حضرت جواد الائمه علیه السلام که در متن روایت فرمودند که باید روی پوست آهو نوشته شود و این روزها در فروشگاه‌ها حرزهایی فروخته می‌شود که ادعا می‌شود که روی پوست آهو نوشته شده ولی معلوم نیست این پوست از کجا آمده است؛ زیرا اکنون مرکز تکثیر آهو در کشور کم داریم و این پوست‌ها غالباً از شکار غیرمجاز حاصل شده یا اینکه پوست حیوان دیگری است) یا شاخ یا تاکسیدرمی آنها علاقه داشته باشند. به این منظور خوب است که دولت نسبت به صدور مجوز مراکز پرورش و تکثیر این حیوانات اقدام کند تا چنین افرادی از شکار غیرمجاز بی‌نیاز شوند.

راهکارهای جایگزین دیگری نیز می‌توان طراحی و پیشنهاد کرد و آنچه ذکر شد فقط به این منظور بود که نشان دهیم مردمی کردن حفاظت از حیات وحش فقط با درآمدزایی از راه شکار تفریحی رخ نمی‌دهد و می‌توان راهکارهای دیگری نیز به این منظور طراحی کرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۲۹ق، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۳. اسلامی دهکردی، مرتضی، ۱۴۰۲، تنوع زیستی ایران پستانداران، تهران: انتشارات مهکامه.
۴. انصاری، مرتضی (شیخ اعظم انصاری)، ۱۴۳۲ق، کتاب مکاسب، چاپ هفدهم، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۵. یروانی، باقر، ۱۳۸۸، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، چاپ سوم، قم: دارالفقه للطباعة والنشر.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱، المحاسن، چاپ دوم، قم: دارالکتب الإسلامیه.
۷. حرانی، سید هاشم، ۱۴۲۹، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. بنی هاشمی خمینی، سید محمدحسن، ۱۳۸۸، توضیح المسائل مراجع، چاپ هفدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. ترحینی عاملی، سید محمدحسین، ۱۴۳۰ق، الزبدة الفقهیه فی شرح الروضة البهیة، چاپ هفتم، قم: منشورات ذوی القربی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث.
۱۱. حلی، جعفر بن الحسن (محقق حلی)، ۱۴۲۷ق، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: نشر فقاهت.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، ۱۴۱۲ق، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۳. حیدری، علی و منوچهری راد، رضا، ۱۳۹۶، امکان سنجی بهره گیری از انفال برای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۷، نهضت حفظ محیط زیست، چاپ سوم، تهران:

انتشارات انقلاب اسلامی.

۱۵. خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار، به نشانی:

Farsi.Khamenei.ir

۱۶. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۴، تحریر الوسیله، تهران: چاپ سوم مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۱۷. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۹، صحیفه نور، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۱۸. خمینی، سید روح‌الله، بی‌تا، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۹. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۷، مناهج الوصول الی علم الأصول، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۲۰. خوشدل، علیرضا، ۱۴۰۰، چرا شکار؟، مشهد: انتشارات آبان بانو صفدری.

۲۱. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۸ق، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه احیای آثار امام خوئی.

۲۲. رضائیان، سحر و جوزی، سید علی، ۱۳۹۳، اسلام و محیط‌زیست، تهران: علم کشاورزی ایران.

۲۳. رضایی، مجید، ۱۳۸۴، مقاله: آثار بعضی از قواعد فقهی بر بازار کار، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.

۲۴. رضایی بیرجندی، علی، ۱۳۹۹، جان شیرین، حقوق حیوانات در متون اسلامی، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.

۲۵. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۸۹، توضیح المسائل، چاپ نوزدهم، قم: انتشارات سلسبیل.

۲۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۳۹۹، استفتانات محیط‌زیست، تهران: انتشارات منیر.

۲۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۵ق، المقنع، چاپ اول، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.

۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۸۷، من لایحضره الفقیه، چاپ هفتم، قم: دارالکتب الإسلامیه.
۲۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. صنفور، محمد، ۱۴۲۸ق، المعجم الأصولی، چاپ سوم، قم: منشورات الطیار.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. طباطبائی، حکیم سید محسن، ۱۴۳۰ق، مستمسک العروة الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. طباطبائی، سید علی، ۱۴۱۸ق، ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
۳۴. طباطبائی یزدی، ۱۴۳۲ق، العروة الوثقی مع تعلیقات عدة من الفقهاء العظام، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۵. طبرسی، فضل بن محمد، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
۳۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ق، مصباح المتهجد، بیروت: فقه الشیعه.
۳۷. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام (طبع قدیم)، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۸. عاملی، علی بن الحسین (محقق کرکی)، ۱۴۰۹ق، رسائل المحقق کرکی، قم: دفتر نشر اسلامی.
۳۹. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، بی تا، القواعد و الفوائد، قم: کتاب فروشی مفید.
۴۰. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، ۱۴۱۹ق، ذکر الشیعة فی أحکام الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث.
۴۱. عبدالباقی، محمد فؤاد، ۱۳۸۹، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، چاپ هشتم، قم: انتشارات نوید اسلام.

۴۲. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید، تهران: چاپ سی و هشتم. انتشارات امیرکبیر.
۴۳. عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش، ۱۳۸۰، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۴۴. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۶، معتمد الأصول، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۵. فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۹، اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۴۶. فراهانی فرد، سعید، ۱۳۹۰، فقه منابع طبیعی، چاپ سوم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.
۴۷. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۸. قمی، شیخ عباس، ۱۴۲۸ق، سفینه البحار، چاپ پنجم، تهران: دارالأسوه.
۴۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: شرکت انتشار.
۵۰. مؤمن قمی، محمد، ۱۴۲۵ق، الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، قم: مؤسسة النشر الإسلامية.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: نشر اسلامیه.
۵۲. محمد بن مکی (شهید اول)، ۱۴۱۹ق، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۵۳. محمدی ریشه‌ری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمة، چاپ هفتم، قم: نشر دارالحديث.
۵۴. مشهدی، علی، ۱۴۰۰، مجموعه قوانین و مقررات پایه حقوق محیط‌زیست، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
۵۵. مصطفوی، سید محمدکاظم، ۱۴۳۱ق، القواعد (مئة قاعدة فقهية)، چاپ هشتم، قم: مؤسسه النشر الإسلامية.

۵۶. مقیمی، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، حقوق حیوانات در اسلام، قم: نشر نورالسجاده.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۱، توضیح المسائل، چاپ پنجاه و یکم، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۶ق، القواعد الفقهية، چاپ سوم، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۰. منتظری، حسینعلی، ۱۳۶۹، دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامية.
۶۱. موسوی عاملی، سید محمد بن علی، ۱۴۲۹ق، مدارک الأحکام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، الطبعة الثانية.
۶۲. نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۳. نظری، حسن، ۱۳۸۵، قاعده حیات بارویکرد اقتصادی، قم: بوستان کتاب.
۶۴. نوری طبرسی، حسین (محدث نوری)، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۶۵. وزیرى فرد، سید محمدجواد و اولیایی، احمد، پاییز ۱۳۹۳، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، مقاله ذبح و شکار از منظر حقوق حیوانات در فقه شیعه.
۶۶. وحید خراسانی، حسین، ۱۳۸۸، توضیح المسائل، چاپ شانزدهم، قم: مدرسه باقرالعلوم علیها السلام.
۶۷. ولایی، عیسی، ۱۳۸۸، اسلام و محیط زیست، قم: نشر اندیشه مولانا.
۶۸. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۵، نظام اقتصاد مقاومتی الگوی الهامبخش از نظام اقتصادی اسلام، قم: انتشارات فارسی.

References

• The Holy Qur'an.

1. 'Abd al-Baqi, Muhammad Fu'ad (2010), *Al-Mu'jam al-Mufahras li-Alfaz al-Qur'an al-Karim*, 8th ed., Qom: Navid-e Islam Publications. (In Arabic)
2. 'Amili, 'Ali ibn al-Husayn (al-Muhaqqiq al-Karaki) (1988 A.H.), *Rasa'il al-Muhaqqiq al-Karaki*, Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic)
3. 'Amili, Muhammad ibn Maki (al-Shahid al-Awwal) (1998 A.H.), *Dhikra al-Shi'ah fi Ahkam al-Shari'ah*, 1st ed., Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. (In Arabic)
4. 'Amili, Muhammad ibn Maki (al-Shahid al-Awwal) (n.d.), *Al-Qawa'id wa al-Fawa'id*, Qom: Mufid Bookshop. (In Arabic)
5. 'Amili, Zayn al-Din ibn 'Ali (al-Shahid al-Thani) (1992 A.H.), *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam* (Old Edition), Qom: Foundation of Islamic Knowledge. (In Arabic)
6. 'Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud ibn 'Ayyash (2001), *Tafsir al-'Ayyashi*, Tehran: Islamic Scientific Library. (In Arabic)
7. Amid, Hasan (2010), *Amid Persian Dictionary*, 38th ed., Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
8. Ansari, Morteza (Sheikh al-A'zam Ansari) (2011 A.H.), *Kitab al-Makasib*, 17th ed., Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. (In Arabic)
9. Bahrani, Sayyid Hashim (2008 A.H.), *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
10. Bani-Hashemi Khomeini, Sayyid Mohammad Hassan (2009), *Tawdih al-Masa'il of the Maraji'*, 17th ed., Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
11. Barqi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid (1992), *Al-Mahasin*, 2nd ed.,

Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Arabic)

12. Eslami Dehkordi, Morteza (2023), Biodiversity of Iran: Mammals, Tehran: Mahkameh Publications. (In Persian)

13. Fadil Lankarani, Muhammad (2007), Mu'tamid al-Usul, 8th ed., Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Arabic)

14. Farahani-Fard, Sa'id (2010), The Economics of Natural Resources from the Islamic Perspective, Tehran: Organization for Publications of the Institute for Culture and Thought. (In Persian)

15. Farahani-Fard, Sa'id (2011), Fiqh of Natural Resources, 3rd ed., Qom: al-Mustafa International Center for Translation and Publication. (In Persian)

16. Heydari, Ali & Manouchehri Rad, Reza (2017), Feasibility Study of Utilizing Anfal for Welfare and Social Security, Tehran: Elmi va Farhangi Publications. (In Persian)

17. Hilli, Hasan ibn Yusuf (Allamah al-Hilli) (1991 A.H.), Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Madhhab, Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Arabic)

18. Hilli, Ja'far ibn al-Hasan (al-Muhaqqiq al-Hilli) (2006 A.H.), Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram, Qom: Nashr Fiqahat. (In Arabic)

19. Hurr 'Amili, Muhammad ibn al-Hasan (1988 A.H.), Wasa'il al-Shi'ah, Beirut: Al al-Bayt ('a) Institute for the Revival of Heritage. (In Arabic)

20. Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali (1992 A.H.), Man La Yahduruhu al-Faqih, 2nd ed., Qom: Islamic Publications Office.

21. Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali (1992 A.H.), Man La Yahduruhu al-Faqih, 2nd ed., Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic)

22. Ibn Faris, Ahmad (2008 A.H.), Mu'jam Maqayis al-Lughah, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)

23. Iravani, Baqir (2009), *Duroos Tamhidiyya fi al-Fiqh al-Istidlali*, 3rd ed., Qom: Dar al-Fiqh li al-Tiba'ah wa al-Nashr. (In Arabic)
24. Katouzian, Nasser (1992), *Introductory Course in Civil Law*, Tehran: Enteshar Company. (In Persian)
25. Khamenei, Sayyid Ali (2018), *The Environmental Preservation Movement*, 3rd ed., Tehran: Islamic Revolution Publications. (In Persian)
26. Khamenei, Sayyid Ali, *Website of the Office for the Preservation and Publication of Works: Farsi.Khamenei.ir*. (In Persian)
27. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1997 A.H.), *Mawsu'at al-Imam al-Khoei*, Qom: Imam al-Khoei Institute for the Revival of Heritage. (In Arabic)
28. Khomeini, Sayyid Ruhollah (2008), *Manahij al-Usul ila 'Ilm al-Usul*, 3rd ed., Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Arabic)
29. Khomeini, Sayyid Ruhollah (2010), *Sahifah-ye Nur*, 5th ed., Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
30. Khomeini, Sayyid Ruhollah (2015), *Tahrir al-Wasila*, 3rd ed., Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Arabic)
31. Khomeini, Sayyid Ruhollah (n.d.), *Kitab al-Bay'*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Arabic)
32. Khoshdal, Alireza (2021), *Why Hunting?*, Mashhad: Aban Bano Safdari Publications. (In Persian)
33. Majlisi, Muhammad Baqir (n.d.), *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li-Durar Akhbar al-A'immah al-Athar*, Tehran: Nashr Islamiyyah. (In Arabic)
34. Makarem Shirazi, Nasser (1995 A.H.), *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*, 3rd ed., Qom: Imam 'Ali ibn Abi Talib ('a) Publications. (In Arabic)

35. Makarem Shirazi, Nasser (1995), Tafsir-e Nemuneh, 1st ed., Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
36. Makarem Shirazi, Nasser (2012), Tawdih al-Masa'il, 51st ed., Qom: Imam 'Ali ibn Abi Talib ('a) Publications. (In Persian)
37. Mashhadi, Ali (2021), Collection of Fundamental Laws and Regulations on Environmental Law, 2nd ed., Tehran: Khorsandi Publications. (In Persian)
38. Mo'men Qomi, Muhammad (2004 A.H.), Al-Wilayah al-Ilahiyyah al-Islamiyyah aw al-Hukumah al-Islamiyyah, Qom: Islamic Publications Institute. (In Arabic)
39. Moghimi, Abu al-Qasim (2008), Animal Rights in Islam, Qom: Noor al-Sajjad Publications. (In Persian)
40. Mohammadi Reyshahri, Muhammad (2007), Mizan al-Hikmah, 7th ed., Qom: Dar al-Hadith Publications. (In Persian)
41. Montazeri, Hussein 'Ali (1990), Diraasat fi Wilayat al-Faqih wa Fiqh al-Dawlah al-Islamiyyah, Qom: al-Markaz al-'Alami li-al-Dirasat al-Islamiyyah. (In Arabic)
42. Mostafavi, Sayyid Muhammad Kazim (2010 A.H.), Al-Qawa'id (One Hundred Jurisprudential Maxims), 8th ed., Qom: Islamic Publications Institute. (In Arabic)
43. Muhammad ibn Maki (al-Shahid al-Awwal) (1998 A.H.), Dhikra al-Shi'ah fi Ahkam al-Shari'ah, Qom: Al al-Bayt Institute. (In Arabic)
44. Musawi 'Amili, Sayyid Muhammad ibn 'Ali (2008 A.H.), Madarik al-Ahkam fi Sharh Shara'i' al-Islam, 2nd ed., Beirut: Al al-Bayt ('a) Institute for the Revival of Heritage. (In Arabic)
45. Najafi, Muhammad Hasan (n.d.), Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam, 7th ed., Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)

46. Nazari, Hasan (2006), The Maxim of Possession (Qa'idat al-Hiyazah) from an Economic Perspective, Qom: Bustan-e Ketab. (In Persian)
47. Nuri Tabarsi, Husayn (al-Muhaddith al-Nuri) (1987 A.H.), Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, 1st ed., Beirut: Al al-Bayt ('a) Institute for the Revival of Heritage. (In Arabic)
48. Qara'ati, Mohsen (2004), Tafsir-e Nur, 11th ed., Tehran: The Cultural Center for Lessons from the Qur'an. (In Persian)
49. Qummi, Sheikh 'Abbas (2007 A.H.), Safinat al-Bihar, 5th ed., Tehran: Dar al-Uswah. (In Arabic)
50. Rezaei Birjandi, Ali (2020), The Sweet Life: Animal Rights in Islamic Texts, 2nd ed., Qom: Bustan-e Ketab. (In Persian)
51. Rezaei, Majid (2005), "The Effects of Certain Jurisprudential Maxims on the Labor Market," Islamic Economics Quarterly, Vol. 5, No. 18. (In Persian)
52. Rezaeian, Sahar & Jowzi, Sayyid Ali (2014), Islam and the Environment, Tehran: Iranian Agricultural Sciences. (In Persian)
53. Saduq, Muhammad ibn 'Ali ibn Babawayh (1994 A.H.), Al-Muqni', 1st ed., Qom: Imam Hadi ('a) Institute. (In Arabic)
54. Saduq, Muhammad ibn 'Ali ibn Babawayh (2008), Man La Yahduruhu al-Faqih, 7th ed., Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Arabic)
55. Safi Golpayegani, Lotfollah (2020), Environmental Istifta'at, Tehran: Monir Publications. (In Persian)
56. Sanqur, Muhammad (2007 A.H.), Al-Mu'jam al-Usuli, 3rd ed., Qom: Manshurat al-Tayyar. (In Arabic)
57. Shobeiri Zanjani, Sayyid Musa (2010), Tawdih al-Masa'il, 19th ed., Qom: Salsabil Publications. (In Persian)
58. Tabarsi, Fadl ibn Muhammad (1993), Majma' al-Bayan fi Tafsir al-

- Qur'an, Tehran: Nasir Khusraw Publications. (In Arabic)
59. Tabataba'i Hakim, Sayyid Mohsen (2009 A.H.), Mustamsak al-'Urwat al-Wuthqa, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
60. Tabataba'i Yazdi (2011 A.H.), Al-'Urwat al-Wuthqa ma' Ta'liqat 'Iddat min al-Fuqaha' al-'Uzzam, 4th ed., Qom: Islamic Publications Institute. (In Arabic)
61. Tabataba'i, Sayyid 'Ali (1997 A.H.), Riyad al-Masa'il fi Bayan al-Ahkam bi al-Dala'il, Qom: Al al-Bayt ('a) Institute. (In Arabic)
62. Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn (1996 A.H.), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th ed., Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic)
63. Tarhini 'Amili, Sayyid Mohammad Husayn (2009 A.H.), Al-Zubdah al-Fiqhiyyah fi Sharh al-Rawdah al-Bahiyyah, 7th ed., Qom: Manshurat Dha-wi al-Qurba. (In Arabic)
64. Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1990 A.H.), Misbah al-Mutahajjid, Bei-rut: Fiqh al-Shi'ah. (In Arabic)
65. Vahid Khorasani, Hussein (2009), Tawdih al-Masa'il, 16th ed., Qom: Ma-drassa Baqir al-'Ulum ('a). (In Persian)
66. Valaei, 'Isa (2009), Islam and the Environment, Qom: Andisheh-ye Maw-lana Publications. (In Persian)
67. Vaziri Fard, Sayyid Mohammad Jawad & Olya'i, Ahmad (2014), "Slaugh-ter and Hunting from the Perspective of Animal Rights in Shi'i Jurisprudence," Shi'a Studies Scientific-Research Quarterly, Vol. 12, No. 47. (In Persian)
68. Yousefi, Ahmad 'Ali (2016), The Resistance Economy System: An Inspi-rational Model from the Islamic Economic System, Qom: Farsi Publications. (In Persian)